نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۲۶۹
۱ شنبه ۸ تیر ۱۳۵۹ - تکشماره ۱۵ ریال

امام خمینی:

کسانی که بااسم اسلام می آیند و میخواهند خرابکاری کنند اینها ضداسلام هستند، ضدانقلاب هستند

صفحه ۲

سیاستی که رادیو و تلویزیون را باانقلاب هماهنگ میسازد

صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران باید ازضدانقلاب پاکسازی شود و ارگان هیچ حزب، گروه، سازمان ویا شیوه تفکری نباشد.

۱۶ ماه بعدازانقلاب، هنوز سیاست واحدی برزبان رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران، یعنی رادیو وتلویزیون حاکم نیست.

۱۶ماه بعدازانقلاب ودرحالیکه ۳نفر مدیریت صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، که میلیونها نفررا زیرپوشش دارد، تغییر کرده است. آخرین سرپرست این سازمان بعد از دوبار استعفا، چنین میگوید:

«فراحی درپاسخ این سئوال که چه افرادی درراديوو تلویزیون کارشکنی میکنند، گفت: مسئله گروههائی است که خودمختار

بقیه در صفحه ۲

رابطهٔ گرانی با چماق

گرانی بعنوان پدیده‌ای اقتصادی علل خاص خود را دارد: اختلال در اقتصاد ملی و تولید داخلی، عدم تعادل در بودجه و تناسب‌اعتبارات آن، تورم، بیکاری و نظایر این پدیده‌های اقتصادی، هریك به‌نحوی از انحاء در پیدایش گرانی موثرند. برای مبارزه قاطع با گرانی باید اقتصاد ملی را سروسامان‌بخشید، افزایش تولید داخلی را در مرکز توجه قرار داد، ارقام بودجه را در جهت تقلیل کسر بودجه و افزایش اعتبارات تولیدی و عمرانی تغییر داد، بیکاری را ازبین‌برد، پولهای زائد را از جریان خارج ساخت، دست سرمایه‌داران بزرگ و بازرگانان کلان، دلالها و واسطه‌ها را از بازار کوتاه کرد و اقدامات اقتصادی و مالی دیگری را انجام داد.

وضع بازرگانی خارجی نیز در پدیده‌ای بنام گرانی و تورم تاثیر جدی دارد. این تاثیر بویژه در وضع کنونی از آن جهت شدیدتر است که اولا قسمت عمده واردات کشور ما از بازار امپریالیستی تامین میشود، و ثانیا این بازار سالهاست گرفتار تورم، گرانی و بیکاری‌است، که‌بار سنگین‌آن بطور عمده بدوش کشورهای درحال رشد گذاشته میشود.

تصمیم‌گیری درمورد جهت بازرگانی خارجی کشور، انتقال آن از بازار امپریالیستی به بازار جهانی، به معنی واقعی کلمه، که شامل بازار کشورهای سوسیالیستی نیز میگردد از یکطرف، و ملی‌کردن بازرگانی خارجی، همانطور که در قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ذکر شده، از جانب‌دیگر، اقدامات‌قاطع و موثری هستند که در ثبات قیمت‌ها و حتی تقلیل آن اثرات جدی خواهد داشت. بالاخره تصمیم‌گیری درمورد بازرگانی داخلی و توزیع متناسب کالا با ایجاد شبکه‌های وسیع دولتی توزیع از اقدامات بسیار ضروری است، که برای جلوگیری از گرانی، احتکار و گرانفروشی موثر است. بدون شبهه باید درهریك از این‌زمینه‌های مهم و اساسی اقتصادی و بازرگانی سریعاً اتخاذ تصمیم‌شود، تا بتوان گرانی را، که بصورت غولی سرکش درآمده، مهار زد و از خطرات جدی آن برای انقلاب جلوگیری کرد.

دراین نوشته قصد ما پرداختن به‌علل و عوامل اقتصادی که موجب گرانی طاقت‌فرسای کنونی شده، نیست. همانطور که از عنوان نوشته برمی‌آید، قصد ما روشن ساختن رابطه گرانی با چماق است، که گرچه عاملی اقتصادی نیست، ولی واقعیت دارد و اثر آن روی گرانی، آنهم گرانی مصنوعی زیاد است. دراینجا دیگر صحبت از تاثیر عوامل طویل‌المدت اقتصادی بر گرانی نیست، بلکه صحبت از آنست که، اگر چماق را از پشت گرانی برداریم، خودبخود تعدیل قابل‌توجهی در قیمت‌ها پدید می‌آید.

چماق در کجاست و چگونه در گرانی تاثیر می‌بخشد؟

قبل از ادامه بحث، مطلب را با ذکر مثالی زنده مورد توجه قرار میدهیم:

در معامله‌ای که همین هفته‌های اخیر بین یکی از تولیدکنندگان عمده میوه (گیلاس، زردآلود، گوجه قطره‌طلا، گلابی، سیب، انگور) با یکی از میدان‌داران دست اول صورت گرفته، پانصدتن میوه به قیمت ۱٫۷۵۰ میلیون تومان خریداری شده است. دقیقتر گفته شود، میدان‌دار دست‌اول میوه را کیلوئی۳۵ ریال از تولیدکننده اصلی خریده است. همین میوه، از جمله گیلاس، کیلوئی از ۴۵۰ تا فعلا ۲۰۰ ریال و زردآلو کیلوئی از ۵۰۰ تا فعلا ۲۰۰ ریال در بازار بفروش میرسد. این احتمال که گوجه قطره‌طلا، گلابی، سیب و انگور نیز با همین قیمتها، در صورتیکه افزایش نیابد، فروخته شود، بعید نیست. بهر صورت واقعیت اینست که میوه‌ای که ۵۰۰ تن آن به قیمت هر کیلو ۳۵ ریال از تولیدکننده خریداری شده، به قیمتهای بالا ۲۰۰ ریال بدست مصرف‌کننده میرسد. یعنی قیمت میوه از باغ تا سفره مصرف حداقل ۶برابر میشود!

مثالی که درمورد معامله فوق زدیم، عمومیت‌دارد، و میدان‌داران دست اول، که همان خریداران عمده میوه هستند، و به معنی واقعی کلمه یك تراست ثبت‌نشده را در کشور ما تشکیل میدهند، انحصار خرید میوه از باغدار و توزیع آن‌را بین خرده‌فروشان بدست دارند.

بقیه در صفحه ۲

اجرای فوری اصل قانون‌اساسی در مورد ملی‌کردن بازرگانی‌خارجی وایجادبخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها وجلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محتکران است

قیمت‌ها به‌مرز خطرناکی رسیده است ۱۰

زحمتکشان: حسرت برنج را می خوریم...

*** قیمت ارزان‌ترین‌نوع برنج‌داخلی، که مورد مصرف زحمتکشان است، ۷ درصد بالا رفته است**

*** برنج تایلندی و پاکستانی ۵۰ درصد گرانتر ازنرخ‌فروشگاههای‌تعاونی ،ست ساکنان محلات کارگرنشین میرسد**

صفحه ۸

امام خمینی:

*** ما بازگرفتار کاغذ بازی هستیم. ما بازگرفتار آدمهای شاهنشاهی هستیم. مملکت ما باز مملکت شاهنشاهیست. وزارتخانه‌های‌ما باز وزارتخانه‌های طاغوتی است وما نتوانستیم اینها را اصلاح کنیم. باید در اسرع وقت‌اصلاح شود واگراصلاح‌نشود دراسرع‌وقت، اصلاح می کنیم.**

*** چراشورای‌انقلاب‌به‌فکر این‌مطلب نیست؟ چرا رئیس‌جمهور بفکر این امور نیست؟ این‌حرفها که میزنید، یك قدرهم عمل کنید.**

- □ اگر عاجزندکنار بروند تاما افرادی پیدا بکنیم که عاجز نباشند و اگر عاجز نیستند، چرا عمل نمی‌کنند؟
- □ اینها بودندکه شما را به‌این مسندها نشاندند
- □ چرا این اشخاصیکه دراین ادارات مشغول فساد هستند، چرا اینهائی‌راکه مشغول هستندکه جوانهای مارا تباه‌کنند دراین ادارات تصفیه نمی‌کنید؟
- □ اگر شاهنشاهی هستید، خوب‌بگید تاماتکلیفمون را باشما تعیین‌کنیم. تامن بگم ملت باشما چه‌کند.

بقیه در صفحه ۲

کوبای سوسیالیستی از انقلاب ایران پشتیبانی میکند

صفحه ۲

رفیق کیانوری درگفتگو بارفقای کوبائی که ازدبیرخانه کمیته مرکزی حزب تسوده ایران دیدن کردند.

احزاب برادر به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، به‌حزب توده ایران شادباش می گویند

صفحه ۸

اعلامیهٔ‌سازمان جوانان‌حزب دمکرات کردستان‌ایران(طرفداران کنگرهٔ‌چهارم):

توده‌ها سازندگان تاریخند نه قداره بندان

بدنبال حمله اوباشان سرگرد علیار (افسر شاهنشاهی)، به‌دستور «گروه قاسملو»، به‌دفتر سازمان جوانان حزب دموکرات‌کردستان‌ایران (طرفداران‌کنگرهٔ‌چهارم) در مهاباد، اعلامیه‌ای از جانب این سازمان، انتشار یافت. در این اعلامیه آمده است:

«مردم مبارزکردستان!

به‌دنبال اعلام موضع‌انقلابی بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان و افشای انحرافات رهبری حزب، دفتر باصطلاح سیاسی در پاسخ اقدام مثبت و شرافتمندانهٔ این رفقا و به‌جا آوردن وظیفهٔ انقلابیشان در قبال خلقمان، دست به‌تهمت و افترا وناسزاگویی زدند.

به‌دنبال این عمل دور از منطق انسانی، حمله به‌دفتر سازمان جوانان حزب دمکرات کردستان‌ایران را تدارك‌دیدند. از طرف دفتر باصطلاح سیاسی به‌سرگرد علیار (افسرشاهنشاهی) و دارو دسته‌اش دستور داده شد ساختمان سازمان رااشغال‌نمایند، به‌خیال اینکه از فعالیت پیگیرو افشاگرانهٔ سازمان در رابطه با عملکردهایشان‌جلوگیری‌نمایند. غافل از اینکه اشغال ساختمان سازمان به‌هیچوجه به‌معنای

بقیه در صفحه ۲

درصفحات بعد

- **خلق اروگوئه‌برای‌آزادی میرزمد**
  به‌مناسبت روزهمبستگی بامردم اروگوئه ـ صفحه ۶
- **اتحادیه دهقانان درخدمت انقلاب وزندگی‌بهتر**
  دهقانی‌ـصفحه ۵
- **وظیفهٔ دولت‌است که‌به‌خواستهای‌مارسیدگی کند**
  گزارشی ازوضع زحمتکشان شرکت واحد تبریزـصفحه ۲
- **بحران آتلانتیسم**
  در اردوگاه امپریالیستی‌تضادهای سیاسی و اقتصادی تشدید میشود
  صفحه ۷

برای‌مبارزه باامپریالیسم امریکا، دشمن‌اصلی‌مردم ایران، متحدشویم!

امام‌خمینی: مابازهم گرفتار

بقیه ازصفحه ۱

امام‌خمینی، رهبر انقلاب ایران، دریك سخنرانی بمناسبت سالروز ولادت حضرت مهدی، امام دوازدهم شیعیان، در ملاقات باخانواده‌های شهدا، سخنان مهمی‌ایراد کردند. امام‌ازجمله گفتند:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

در آستان‌سالروز ولادت پربرکت حضرت‌مهدی ارواحنافداه، این عید سعید بزرگ را بر همه مسلمین وبرهمه مستضعفان‌جهان و ملت شریف ایران و شما برادرهای‌عزیزو خواهرهای‌محترم، تبریك عرض می‌کنم وسلامت‌و سعادت تمام مسلمین را و تمام مستضعفین‌را در مقابل‌مستکبرین، از خداوند تعالی مسئلت میکنم.»

«ما مرهون زحمتهای شماها و عزیزان شماها، هستیم و همه‌ملت ایران، مرهون این جوانهایی که با مشت گره کرده نهضت را به اینجا رساندند و بازهم حاضرند. لکن من نمی‌دونم که آیا ازین فشرهائیکه امروز هم مخالفت با نهضت می‌کنند، چه باید بپرسم؟ اینها شما را دیده‌اند؟ اینها بی‌اطلاع‌اند از اینکه بشماها چه مصیبت‌هایی وارد شده است؟ اینهاییکه‌طرفداری از رژیم سابق می‌کنند، این قلم‌های‌مسمومی که با نوشته‌های خودشان می‌خوان این‌انقلاب را عقب‌بزنند وشکست بدهند، اینها هیچوقت بفکر این افتاده‌اند که این شهدا، این خانواده‌های شهدا، در سرتاسر کشور ما، که عزیزهای خودشان را از دست داده‌اند به اونها چه میگذرد؟ اینها چی میکنند؟ اینها چه می‌کنند؟ اینها برای کی با شماها مقابله می‌کنند و معارضه؟ و آیا این‌ادارات‌دولتی و وزارت‌خانه‌ها و همه گروههایی که در اداره این مملکت مشغول‌هستند، جواب شماها را چی‌می‌دهند؟ که بازهم در عین حالی که سفارش شده است که این کاغذبازی‌های مزخرف را و این کارهای ضدانقلابی را نکنید بساز می‌شنویم که حتی برای شما، کارشکنی می‌کنند؟ اینها چه می‌گویند؟ اینها چه‌هستند؟ اینهایی که در راس هستند، چطور توجه به این‌مسائل ندارند؟ چطور آقای رئیس‌جمهور دخالت درین امور نمی‌کند؟ چطورشورای انقلاب‌در این امور رسیدگی نمی‌کند؟ چه شده است‌اینها را؟ بکارهای‌دیگه مشغولند اینها. ما مرهون اینها هستیم. اینها بودند که شما را به مسندها نشاندند. اگر این‌ها نبودند، نه من اینجا بودم نه شما اونجا بودید، نه اونا اونجا و نه دستجاتی‌که مخالفت با این‌نهضت میکنند در اینجا. آنها که‌مخالف نهضت هستند حسابشان علیحده است، اما شمایی که با نهضت هستید و در امور این کشور دارید دخالت می‌کنید، اداره این مملکت‌دست شماها هست، چطور است که شما رسیدگی به این ادارات نمی‌کنید و به این‌وزارت‌خانه‌ها؟ این وزرایی که اشخاصی تحت اداره اونها هست و باز هم ازین اشخاصیکه از رژیم سابق مونده‌اند هست، اونها چه میکن؟ به اسلام عقیده ندارند یا عرضه ندارند؟ نمی‌تونن این اشخاصیکه کارشکنی‌برای‌این افراد می‌کنند، برای این معلولین‌حتی کارشکنی می‌کنند و برای این شهدا کارشکنی می‌کنند، نمی‌تونن اینها، نمی‌فهمن اینها، که باید اینها نشود؟ نمی‌دونن که ایران مرهون اینهاست؟ نمی‌دونن که رژیم منحوس‌شاهنشاهی را اینها ازین بردن و شما را به اینجارسوندن؟ این چه وضعی است در این مملکت؟ همه که نمی‌شود، همیشه نمی‌شود که با حرف‌مردم را قانع کرد. باز هم آرم‌های شاهنشاهی در کاغذهاشان هست. من نمی‌فهمم که اینها چه اشخاصی هستند؟ باز هم مریضخانه‌ها، مریضخانهٔ بنیاد فلان، هست در ایران. بازهم، تذکره‌ها، تذکره‌های شاهنشاهی است. باز هم کاغذهای اداره، کاغذهای شاهنشاهی است. اگر شاهنشاهی هستید خوب بگید تا ماتکلیفمون را با شما تعیین کنیم. تا من بگم ملت با شما چه کند. و اگر نیست چرا این آرم‌ها را برنمی‌دارید؟ چرا این اشخاصیکه در این ادارات، مشغول فسادهستند، چرا این‌هاییکه مشغول هستند که جوانهای ما را تباه کنند در این ادارات، تصفیه‌نمی‌کنید؟ من نمی‌دانم این مملکت وضعش چیه؟ ۲۰ سال است که این ملت،ملت محروم دارد زحمت می‌کشد، کشته می‌دهد. ۱۵ خرداد اونقدر کشته داد و بعد هم، هی پانزدهم‌های خرداد برای ما پیش آمد، این‌همه‌اینها به‌شهادت‌رسیدند...

ما تا کی، باید مواجه با این چهره‌های افسرده بشاشیم؟ ملت ایران تا کی باید منتظر باشند که شماها، از اون گرفتاریهایی که‌میگید داریم در ادارات،بیرون بیایید؟ تا کی صبر کند ملت ایران و تا کی شما می‌خواهید اصلاح کنید امور را؟ یکسال و نیم بیشتر گذشته است، از این انقلاب و باز، آرم‌های شاهنشاهی هست. اگر شاهنشاهی هستید، بگید. اگر تا ۱۰ روز دیگر، تا ۱۰روز دیگر در یکی‌از این‌چیزهاییکه از ادارات صادر می‌شود، عکس همون آرم‌های شاهنشاهی باشد و اسم اونها باشد، من با ملت‌میگم‌با شماها اون‌رفتار کند که باشاهنشاه کرد. ما هی سکوت میکنیم هی میخواهیم مطالب را خودشان حل بکنند، معذالك به فکر این حرفها کم هستند چرا بفکر نیستید؟ چرا شورای‌انقلاب بفکر این مطلب نیست؟ چرا رئیس‌جمهور بفکر این‌امورنیست؟ این حرفها که می‌زنید یك قدر هم عمل کنید. شما همه مخالفید با شاهنشاهی. راس شما، اونها که در راس هستند و من می‌شناسمشان، اونها همه مخالفند با این وضع. مخالفند با اوضاع سابق، اسلامی هستند. لکن مسامحه‌می‌کنند. من نمی‌فهمم این مسامحه‌چیه. درهمین دو سه روز، برای من‌چیزی آوردند که تذکره‌ای بوده است که همون آرم شاهنشاهی همون کثافت‌کاریها در وزارتخارجه و در همه وزارتخانه‌ها و همه مراکز فساد باید اصلاح بشود این امور نمی‌شود اینطور. اگر عاجزند کنار برند تا ما افرادی پیدا کنیم که عاجز نباشند و اگر عاجزنیستند چرا عمل نمی‌کنند.؟

من از شماها عذر می‌خواهم. من از ملت ایران عذر می‌خواهم. من از ملت ایران عذر می‌خواهم. من از این مادرهاییکه بچه‌های خودشون را از دست دادند، معذرت‌می‌خوام. من از برادرهایی که عزیزان خودشان را از دست دادند، معذرت می‌خواهم. من از این ارتشی‌هاییکه‌جوانان‌خودشان را ازدست‌داده‌اند، از این‌پاسدارهائیکه جوانهای خودشون را از دست‌داده‌اند و برادران خودشان را، معذرت می‌خوام که عرضه این را ندارن که کار را درست کنن. من از حضرت مهدی سلام‌الله‌علیه، من از پیشگاه پیغمبر اکرم معذرت می‌خوام. من از پیشگاه ولی عصر امام مهدی سلام‌الله علیه معذرت می‌خوام. من از پیشگاه ملت ایران معذرت می‌خوام. من از شما برادران، برادران ارتشی، برادران پاسدار، برادران ژاندارمری و سایر قوای انتظامی که در راه اسلام،جوان‌های خودشان را داده‌اند، معذرت می‌خوام. ما نتوانستیم برای‌شما کارانجام‌بدیم. ما ضعیف‌هستیم. ما باز گرفتار کاغذبازی هستیم. ما باز گرفتار آرم شاهنشاهی هستیم. مملکت ما باز مملکت شاهنشاهیست. وزارتخانه‌های ما باز وزارتخانه‌های طاغوتی است و ما نتوانستیم اینها را اصلاح کنیم. باید در اسرع وقت اصلاح‌شود و اگر اصلاح نشود در اسرع وقت، اصلاح می‌کنیم.»

پیام همبستگی سازمان زنان حزب دمکرات کردستان ایران ـ مهاباد بابخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران (طرفداران کنگرهٔ چهارم)

هم‌میهنان گرامی ! مردم مبارز کردستان !

ما بخشی‌ازاعضاء کادررهبری سازمان زنان حزب دمکرات کردستان ایران ـ مهاباد پشتیبانی خودرا ازنظریات‌ومواضع انقلابی بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران ، و همچنین برنامه واساسنامه‌مصوب کنگرهٔ چهارم ابراز داشته و قاطعانه اعلام میداریم که دوش بدوش برادران خود در مبارزهٔ حق‌طلبانهٔ خلق‌کرد درراه تأمین دمکراسی‌درایران وخودمختاری برای‌کردستان بکوشیم .

هم‌میهنان گرامی !

هم‌اکنون رژیم فاشیستی‌بعث عراق ، دارودستهٔ رژیم‌سرنگون شدهٔ‌پهلوی ، نوکران سرسپرده آمریکا و عوامل بختیار خائن ، میخواهند بامداخلات روزافزون خود در کردستان آتش جنگ برادر کشی را برافروخته نگاه دارند . وباتوجه به‌این شرایط وجوحاکم‌برمنطقه، آیندهٔ‌مبارزات حق‌طلبانهٔ خلق‌ما درمعرض خطر جدی قرارگرفته و سرنوشتی همانندخلق کرد در کردستان عراق در انتظارمان خواهد بود.

ما ازاعضاءوهواداران‌واقعی این حزب میخواهیم که به‌تهمت وافتراهائی که ازطرف عده‌ای اشخاص معلوم‌الحال به گروه ۷ نفری منشعب از کادررهبری حزب دمکرات کردستان‌ایران نسبت‌داده میشود گوش فرانداده وصفوف خود را با پیروان‌و طرفداران صدیق‌حزب وبرنامه‌و اساسنامهٔ مصوبهٔ کنگرهٔ چهارم فشرده‌تر سازند.

«مرگ برامپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و عمال داخلیش.»

«پیروزباد انقلاب شکوهمند خلقهای ایران.»

«پیش‌بسوی وحدت نیروهای راستین‌انقلاب ایران.»

«پیش‌بسوی حل‌مسالمت‌آمیز مسئله کردستان وتأمین‌خواسته‌های برحق خلق‌کرد.»

سازمان زنان حزب دمکرات کردستان‌ایران.مهاباد‌طرفداران کنگرهٔ‌چهارم ۱۳۵۹/۴/۴

کارگران اجرای سریع اصول اقتصادی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ملی کردن رشته‌های اساسی اقتصاد ملی‌را طلب میکنند. مخالفت با اجرای این اصول‌ضربت به‌انقلاب ایران و منافع خلق است.

سیاستی که رادیووتلویزیون...

بقیه از صفحه ۱

عمل میکنند وبهیچوجه مسئله شخصی برای ما‌مطرح نیست.»

(بامداد ـ سوم تیر ۵۹)

این سخنان سرپرست رادیوو تلویزیون روشن میکند که سیاست واحدی برتلویزیون حاکم نیست. بعلاوه بااعلام فعالیت گروههای خودمختار دررادیووتلویزیون، سرانجام روشن میشود که عدم حرکت این وسیله جمعی توده‌گیر باانقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیك وخلقی ایران ازکجا ناشی میشود.

همچنین روشن میشود که دشنام‌های بی‌پایان رادیو به‌احزاب، گروهها وسازمانهای سیاسی انقلابی ودرراس آنها حزب توده‌ایران، ازکجا مایه می‌گیرد. میشود باتکیه به‌سخنان سرپرست رادیو و تلویزیون به‌آسانی دریافت‌که دستهای مشکوکی که فحش‌نامه روزنامه کیهان درروزسوم‌خرداد رأعلیه حزب توده‌ایران و«اکثریت» سازمان چریك های فدائی خلق ایران درروزبعد به‌تمامی ازرادیو خواندند، ازکدام آستین درآمده‌اند ودریافت فحش‌نامه‌ای را، که روزهای صدای به‌اصطلاح «ایران آزاد» درآن کاملا هویدا است، به‌چه دلیل ازصدای جمهوری اسلامی ایران پخش کرده‌اند.

حزب توده ایران بارهاوبارها اعلام داشته است‌که دررادیو وتلویزیون وبویژه دررادیو سیاستهائی اعمال میشود که درخط انقلاب ایران نیست. گاه این سیاستها نه‌تنها درخط انقلاب ایران نیست، بلکه علیه آن است.

این سیاستها چرامجال اعمال ازصدای رسمی جمهوری‌اسلامی ایران میابند؟ چرا صداهائی ازرادیو وتلویزیون بگوش میرسد که گاه درحساسترین لحظات ضدانقلاب رایاری میدهد؟

پاسخ این سئوالات راباید درعدم اعمال سیاست یکسان و معین درصدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران دانست.

این سیاست چگونه باید باشد؟

بدون تردید این سیاست باید باانقلاب ضد امپریالیستی، ودمکراتیك وخلقی ایران هماهنگ باشد. این سیاست، که در چارچوب منافع انقلاب ایران، طبق قانون اساسی ودرهر لحظه معین تاریخی براساس خواست توده‌های میلیونی باید تنظیم شود، باید درشرایط کنونی به‌بسیج توده‌ها علیه دشمن اصلی، امریکای خونخوار وشرکای جهانی وعمال داخلیش بپردازد وضدانقلاب را افشاکند. روی دیگر این سیاست معرفی بوستان انقلاب ایران در صحنه داخلی وجهانی است. درمتن این‌سیاست، باید ـ چنانکه امام بارها گفته‌اند ـ رادیوو تلویزیون بیطرف باشند. جانب حزب، گروه، سازمان ویاشیوه تفکرخاصی‌رانگیرند. بااجرای‌این سیاست، تلویزیون میتواند به‌شیوه‌ای دمکراتیك نظریات احزاب، گروهها، سازمانها وبطورکلی نیروهائی راکه ازانقلاب دفاع وازخط ضدامپریالیستی امام پشتیبانی میکنند، مطرح سازد وازسیاست تخریب بپرهیزد .

به‌این ترتیب گروههای خودمختار نخواهند توانست وسائلی راکه به‌هزینه توده‌ها اداره میشود، درخدمت نظریات و منافع گروهی خود بگیرند .

برای انجام چنین سیاستی لازم است بیش ازهمه ضدانقلاب ازصدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران پاکسازی شود، زیرا سرپرست تلویزیون آشکارا بحضور ضدانقلاب اعتراف دارد:

«تاآنجاکه من اطلاع دارم یك جناحی هستند که ضدانقلاب میباشند.» (بامداد، سوم تیر)

همانطورکه سرپرست رادیوو تلویزیون اعلام داشته، این جناح ضدانقلاب باید بسرعت پاکسازی شود. جناحی‌که تشکیل دهندگان آن عمال رژیم سابق و مائوئیستهائی هستند که زیرنقاب اسلام پنهان شده‌اند .

اجرای چنین سیاستی وتنها چنین سیاستی است که رادیو و تلویزیون رابا‌انقلاب ایران هماهنگ میسازد وآنرا به دانشگاه بزرگ توده‌ها تبدیل میکند.

رابطهٔ گرانی با چماق...

بقیه از صفحه ۱

در تحقیقی که ما از خرده‌فروشان‌بعمل آوردیم، معلوم‌شد که آنان در فروش هرکیلو میوه به ۲ریال درآمد قانع هستند. همچنین اگر میوه از باغدار بلافاصله در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد، در هر کیلوئی بیش از ۱۵ریال خرج ندارد. بدینسان میوه میتواندهرکیلوئی۵۰ ریال به آسانی‌بدست‌مصرف‌کننده‌برسد.

حالا سئوال اینست که: چرا نمیرسد؟ چه دلیلی دارد که میوه‌ای که کیلوئی ۳۵ ریال از تولیدکننده خریداری میشود، به قیمت بیش از ۲۰۰ریال و بالاتر بدست مصرف‌کننده میرسد؟

اینجاست که این سئوال‌فقط یك جواب‌دارد: جواب اینست که: **پشت سر این گرانی چماق ایستاده است.** آری، چماق میدان‌داران عمده، که انحصار خرید میوه از باغداران و توزیع آن بین مصرف‌کنندگان را در دست دارند. همین چماق است که‌در موارد ضروری بر سر سازمانهای سیاسی و اجتماعی، که علیه این وضع اعتراض میکنند و میخواهند دست واسطه‌ها وطفیلی‌ها از مکیدن‌خون‌زحمتکشان با استفاده از اهرم گرانفروشی‌برداشته شود، وارد می‌آید و بصورت چماق در تظاهرات گروههای‌سیاسی مؤمن به‌انقلاب‌ضدامپریالیستی و خلقی‌مردم ایران‌خودنمائی‌میکند.

چماق در دست میدان‌داران عمده تنها برای این نیست که اگر مثلا تولیدکننده‌ای خواست محصول خود را مستقیماً به‌بازار عرضه کند، او را با انواع تهدیدات و حتی بورش مستقیم و علنی از پا درمی‌آورند. میدان‌داران عمده با دارابودن «گروههای ضربت»، حتی‌مانع‌از معامله خرده‌فروشان با تولیدکنندگان‌هستند.

باید با این قشر، که نه‌فقط ناراضی میباشد، بلکه خود از عوامل ضدانقلاب است، مبارزه اساسی و ریشه‌ای کرد. جلوگیری از گرانی، در آنچه مربوط به عوامل موثر کوتاه مدت است و تاثیر جدی هم در سبك‌کردن بار گرانی دارد، راه‌دیگری جز از میان برداشتن واسطه‌ها در بازرگانی داخلی ندارد.

ایجاد بخش دولتی و تعاونی در توزیع، به‌قسمی که‌خرده‌فروشان نیز با سازمانهای توزیع دولتی و تعاونی سروکار داشته باشند، راه اساسی مبارزه با واسطه‌ها و محتکرین و دلالان، یعنی چماقدارانی است که هم مردم را بستوه آورده‌اند و هم تیشه به ریشه انقلاب میزنند. این مبارزه ـ مبارزه‌ای دشوار است. اما اگر انقلاب، که توانسته است دشواریهای بس مهمتر و بزرگتر را از سر راه بردارد، به حل این دشواری، که چندان هم مشکل نیست و فقط قاطعیت انقلابی طلب میکند، نائل نگردد، یعنی‌بخشی از کانالهای اصلی فعالیت ضدانقلاب باز نگاه‌داشته شده است. ناگفته پیداست که از این رهگذر زخم جدی بر بدن انقلاب‌وارد خواهد آمد و تا دیر نشده علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

امام‌خمینی: کسانی که...

بقیه از صفحه ۱

روزچهارشنبه ٤ تیرماه ۱۳۹۵، امام خمینی، رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دراقامتگاه خودخطاب‌به‌اعضای‌شوراهای اسلامی کارگران سخنانی ایراد کردند. امام بویژه به‌ملت ایران‌وبهمه‌روحانیون ایران درمورد کسانی که بااسم اسلام می خواهند خرابکاری کنند، هشدار دادند. درسخنان امام دراین زمینه ازجمله‌آمده است:

من یك مطلبی را باید بگویم که‌به همهٔ ملت ایران وبه همهٔ روحانیون ایران، من خوف این‌را دارم که بعضی ازاین معممینی‌که در بین روحانیون خودشان را جازده‌اند وخرابکاری دارندمیکنند دربعضی ازجاهائی‌که اینها یك چیزی دستشان آمده است، من خوف این رادارم که اینها چهرهٔ اسلام رابرگردانند ازآن چیزی که هست. من به روحانیون ایران می‌گویم به‌اینکه این اشخاصی راکه خودشان راجا زده‌اند یا رفتند درکمیته ویارفتند درجاهای دیگر این اشخاص راشما به‌مردم معرفی کنیدکه اینها ربطی به‌ما ندارند. یك‌وقت ما میفهمیم که سراسر ایران کمیته امام درست شده است. این امام کی هست که کمیته درست شده؟ چه‌اطلاعی ازاین دارد؟ مابی‌اطلاع بودیم . هرکس خودش خواسته یك کاری بکند بااسم فلان .

من به‌سرتاسر کشور ایران ، به سرتاسر روحانیون ایران این خطررا‌که برای اسلام پیش‌آمده وبرای روحانیت پیش آمده می‌گویم به‌شماها وحجت رابرهمه‌تمام می‌کنم. این آخوندهایی را که خودشان راجازدند ومی‌روند ومردم راآزار میدهند واذیت می‌کنند، بدون یك مجوز شرعی الهی، اینهارا ازخودشان برانند.

اینها نماینده من نیستند : این بااسم نماینده فلان میخواهد کاررا شلوغ بکنند تااینکه ملت بگویند اینهم نماینده‌این‌اشخاص هستند. وباز باید بگویم‌که این پاسدار هائی که اصافا در این کشور خدمت کرده‌اند و دارند خدمت می‌کنند ووجودشان مغتنم پیش خدا مغتنم است، گاهی‌وقتها دربینشان یك کسی جامیزند و آبروی اینهارا ازبین میبرد.

اینها متوجه نیستند که یك اشخاصی بین اینها آمده است و خودش را جا زده مثل این‌که توی روحانیون آمده و خودش را جا زده و دارد خرابکاری میکند تابااسم اسلام خرابکاری بکند واسلام رابکوبد. بایدتوجه داشته باشید، باید متوجه باشید که آنهائی‌که خرابکاری می‌کنند آنهائی‌که بجان مردم می‌افتند و اینکارهائی راکه می‌گویند دارند میکنند .

صالح وفاسدرا بشناسید، مفسد ومصلح رابشناسید توجه داشته باشید که چه‌کسی دارد خلاف میکند به‌اسم اسلام، اگر عمامه سرش است بزلیدش کنار، خود معممین بزنندش کنار، اگریین پاسدارهاست پاسدارهای مسلح مسلم اسلامی‌که همه زحمت را بعهده دارند بزنندشان کنار،اگر درارتش است ارتشیها بزنندش کنار، ژاندارمری است‌آنهابزنند، دربازار است بازاریها بزنندش کنار، در کارخانه است آنها بزنندشان کنار. اینها درهرجائی میخواهند یك نفوذی بکنند ویك فسادی بکنند به‌اسم اسلام واین برای نهضت شما خطراست، با اسم اسلام میخواهند اسلام رادر بین مردم خود مملکت مشوه نمایش بدهند وبعد صورتش را نمایش دهند واین یك جرم‌بزرگی است که آنها مرتکب میشوند و ماهم اگر ساکت باشیم برای ما جرم است باید بگوئیم وشما ها عمل کنید. کسانی‌که با اسم اسلام‌می‌آیندومیخواهندخرابکاری بکنند ومثلا یك کارهای زشتی بکنند وخلاف اسلام بکنند اینها اسلامی نیستند، اینها ضد اسلام هستند. ضدانقلاب هستند ودرین جمعیتها نفوذ کرده‌اند، همه جا هست. ملت مابايد هوشیار باشد والان هوشیاری ازاول بیشتر لازم است .

توده‌هاسازندگان...

بقیه از صفحه ۱

بسازگرداندن جوانان از راه صحیحی‌که در پیش‌گرفته‌اند و به‌معنای اشغال اندیشه و عمل انقلابی آنان نمیتواند باشد.

در جریان حمله مدافعین به‌اصطلاح دمکراسی به‌دفتر سازمان،جوانان‌ما برای‌جلوگیری از هرگونه برخورد وتشنج در سطح شهر و برای حفظ آرامش شهر هیچگونه عکس‌العملی از خود نشان ندادند و دفترسازمان را تخلیه‌کردند.

بدیهی است چنین اعمالی انسان را به‌یاد چماقداران دورهٔ طاغوت و چماقدارانیکه اخیراً به‌میتینگها وتظاهرات نیروهای مترقی‌حمله می‌نمایند، می‌اندازد.

درتعقیب همین سیاست و با دستورهمان‌به‌اصطلاح دفترسیاسی درشهر«بوکان» چند تن ازافراد مؤمن و انقلابی را دستگیر می‌نمایند، تا بدین وسیله از فعالیت اصولی مطابق با مشی صحیح کنگرهٔ چهارم حزب جلوگیری بعمل آورند.

سازمان جوانان حزب دمکرات کردستان ایران (طرفداران‌کنگرهٔ چهارم) ضمن محکوم نمودن اینگونه اعمال مذبوحانه، به‌مبارزه پیگیر خود در چارچوب برنامه و اساسنامه مصوب کنگرهٔ چهارم حزب ادامه می‌دهد و با هرگونه انحراف از مشی اصولی حزب به‌شیوه‌ای صحیح ومنطقی مبارزه می‌کند.

مسلم‌است همیشه مشی‌اصولی و مبتنی بر اصول علمی، بر جریانات انحرافی پیروز خواهد گشت. در این راه تاریخ گواه پیروزیمان خواهد بود.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا

پیش بسوی حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و تامین‌خواستهای برحق خلق کرد

کوبای سوسیالیستی...

بقیه از صفحه ۱

در جریان برگزاری «کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران» هیئت نمایندگی کوبا ، بریاست خورخه لزکانو، از دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دیدارکرد.

درگفتگوی دوستانه‌که میان هیئت نمایندگی کوبا با رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته‌مرکزی حزب توده ایران، وتنی چند ازاعضای هیئت‌سیاسی حزب ما صورت گرفت. رفیق خورخه لزکانو، ضمن یادآوری اهمیت جهانشمول انقلاب ایران، مداخلات امپریالیسم آمریکا را برای شکست آن شدیداً محکوم کرد. وی اطمینان داد که دولت ومردم کوبا، که خود نیزسالهاست با دسیسه‌های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا روبروهستند، همواره از مبارزه مردم ایران علیه تجاوزات امپریالیسم آمریکا و برای پاسداری ازدستاوردهای انقلاب شکوهمند خود پشتیبانی خواهندکرد.

رفیق کیانوری سپاسگزاری حزب‌توده ایران را ازهمبستگی کوبای انقلابی با پیکار ضد امپریالیستی مردم ایران ابراز داشت. وی یادآور شدکه انقلاب کوباهمواره الهام بخش نیروهای مترقی و دمکراتیك ایران بوده است، و توطئه‌های وسیع امپریالیسم ایالات متحده آمریکا را علیه‌نخستین‌کشورسوسیالیستی قاره آمریکا محکوم ساخت.

رفیق کیانوری یادآور شد که حزب توده ایران تحکیم همبستگی سنتی خود را با کمونیست‌های کوبا ، یکی از عمده‌ترین‌وظائف‌انترناسیونالیستی خویش می‌شمرد.

پیش بسوی وحدت‌همهٔ‌نیروهای راستین انقلاب‌ایران.

www.iran-archive.com

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران (۵)

نبرد ایدئولوژیک حزب کمونیست ایران

ترویج اندیشه‌های مارکسیسم ـ لنینیسم به‌نحوی منظم ومتشکل، یکی ازوظایف عمده‌ای بودکه حزب کمونیست ایران دربرابر خود قرار داده بود. در دوره اوج جنبش رهائی بخش ملی ضدامپریالیستی (درگیلان، آذربایجان، خراسان) وپس ازآن، این وظیفه بس‌مهم‌همیشه باجلب وهمکاری دیگرنیروهای مترقی ودمکراتیک اجرا میگردید.

درباره کار بزرگی که دراین بخش ازفعالیت حزب، ازطریق تشویق وتبلیغ شفاهی صورت گرفته است، امروز میتوان فقط ازروی نتایج عملی‌حاصله ازآن قضاوت کرد. اگر مطبوعات حزب واتحادیه‌های کارگری راازهمان‌ایام تدارک کنگره موسسان ازنظر بگذرانیم، دیده میشود که علیرغم همه دسایس، خرابکاریها، تهدیدها وترورهائیکه ازجانب‌نیروهای ارتجاع داخلی وامپریالیسم علیه حزب صورت گرفته، فعالیت حزب دررشته ایده‌ئولوژی بطورکلی با سیر تکاملی چشمگیری پیشرفت داشته است. بعضی از ارگانهای مطبوعاتی حزب رانام میبریم:

روزنامه‌های عدالت باشمار«رنجبران عالم‌اتفاق کنید!» و ایران سرخ باشمار «رنجبران دنیا حقوق خودرامطالبه‌کنید!»(سالهای۱۲۹۹ـ۱۳۰۰چاپ‌رشت) حقیقت باشمار «رنجبر روی زمین اتحاد!»، اتحاد ایران، کار، پیکان (سالهای ۱۲۹۹ـ۱۳۰۲ چاپ تهران) پیکار، نهضت (سالهای ۱۳۰۹ـ۱۳۱۰ چاپ برلن)وغیره. مجله‌های خلق، جرقه (سالهای ۱۳۰۱ـ ۱۳۰۲ چاپ تهران)، ستاره سرخ (سالهای ۱۳۰۸ ۱۳۱۰ چاپ وین) وغیره.

درصفحات این مطبوعات است‌که حزب‌کمونیست ایران به ترویج سه بخش عمده ترکیبی مارکسیسم، یعنی سوسیالیسم علمی، اقتصاد سیاسی و فلسفه ماتریالیسم‌دیالکتیک‌می‌پردازد. مثلا روزنامه«اقتصاد ایران» در یك‌رشته از مقالات مفصل‌خود تحت‌عنوان «کاپیتالیسم ـ سوسیالیسم، از توماس‌مرتاجنگ بین‌المللی»، به‌بررسی‌مجملی‌ازرشدافکارسوسیالیستی، ازسوسیالیسم‌تخیلی‌به‌سوسیالیسم‌علمی می‌پردازد (از شماره۶،سال‌سوم،۱ اسدسرداد۱۳۰۱به‌بعد) یامجله خلق یك رشته پاورقی تحت عنوان عمومی «الفبای کمونیسم» بچاپ میرساند (ازشماره یکم به‌بعد) همین مجله دریك سلسله ازمقالات خود به آموزش اقتصاد سیاسی مارکس می‌پردازد. باین منظور مجله، نظری به سیرتکاملی اندیشه‌های اقتصادی ازازمنه قدیمه تا زمان‌مارکس‌وانگلس‌میاندازد، نظریات‌مرکانتیلیستها (سوداگران) را تشریح میکند، خطاها و نارسائیهای آنرا نشان‌میدهد و سپس به‌بررسی‌انتقادی از بینش اقتصادی‌فیزیوکراتها (و بانی این‌مکتب‌کنه) پرداخته مبارزه آنهارا بامرکانتیلیستها توضیح میدهد. پس ازاین مقدمه، مجله به مطالعه نظریات اقتصادی آدام اسمیت می‌پردازد و بویژه تئوری ارزش رابیان میکند.

سپس مجله نقش مارکس رادر پیشبرد دانش اقتصاد سیاسی ورفع نارسائیها وخطاهای پیشینیان متذکرمیشود. وبامجله ستاره سرخ درمقاله باارزشی بعنوان «ایده آلیسم یاماتریالیسم»، برای اولین بار درتاریخ افکار پرغنای فلسفی ایران، به‌توضیح مسئله‌اصلی‌فلسفه پرداخته، مکتب مختلف‌ایده‌آلیستی وماتریالیستی رامورد بررسی وتحلیل قرار میدهد.

این مقاله است که خواننده فارسی زبان برای نخستین بار باآثار فلسفی جاودانی چون اثر انگلس «لودویك‌فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیك آلمان» وکتاب لنین «ماتریالیسم وامپیریوکریتیسیسم» آشنا میشود (ستاره سرخ، شماره ۵ـ۶، سال ۱۳۰۸). از مباحثیکه جنبه نظری داشتند میتوان از روزنامه حقیقت، مقالات «پروگرام ارفورت تالیف کارل کائوتسکی» (شماره ۲، سال اول، ۱۰ جدی ۱۳۰۰)، «اساست اقتصادی جدید روسیه (نپ)» (شماره ۱، جدی ۱۳۰۰)، «سرمایه‌داری ومستملکات» (شماره ۱۴ جدی۱۳۰۰) «اول ماه مه» (شماره ۶۸، ۸ اسد ۱۳۰۱)، از روزنامه اقتصاد ایران مقالات «انقلاب سیاسی»(شماره ۶، یك اسد۱۳۰۱)و غیره‌را نام برد.

در دوران پیش از کنگره دوم، حزب کمونیست ایران همکاری نزدیك‌باجمعیت‌ها و سازمانهای‌اجتماعی دموکراتیك نظیر «جمعیت فرهنگ» رشت، «انجمن پرورش» قزوین، «جمعیت فرهنگ» انزلی داشت.دراین گونه‌جمعیت‌هاو انجمن‌ها کوشندگان زیادی فعالیت موثری داشتند.

«از روزنامه‌های منتسب بحزب» در ایندوره رفیق عبدالصمد کامبخش در کتاب خود، روزنامه‌ی رشت قزوین، بمدیریت میرزا یحیی واعظ گیوانی نام میبرد، که «بمناسبت مقالات پرشور انقلابی خود طرفداری وسیعتر از محل انتشار معروفیت داشت.» (همان کتاب، صفحه ۳۰). محض نمونه از مجله ارگان «جمعیت فرهنگ» رشت نیزنام‌میبریم، در گزارشی پیرامون «اقدامات ۸ ساله جمعیت» «کشف علوم و پیروی از ترقی و تجدیدفکری» ذکر شده، بالا بردن سطح فرهنگ همگانی رابرای اجتماع ضرور میداند، زیرا «جریانات عمومی اجتماعی رهبرها و پیشوایان را بوجود میآورند، نه جریانات اجتماعی را.» (فرهنگ، شماره اول، ۱). همین مجله مقاله مفصلی در رثای میرزا یحیی گیوانی، مدیر روزنامه نصیحت قزوین درج میکند «در ترقی وآزادی،مظهرافکار متجددین ومنورین در تهران (مرکز فساد) مقتول شد... این است زندگی و قدر وقیمت و پاداش خدمت یك شاعر مدیر مدرسه ملی و جریده‌نگار ملی !! » (۸، آبانماه ۱۳۰۴).

تحت تاثیر نیرومنداندیشه‌های انقلابی اکتبر کبیر ملك‌الشعرا بهار، درروزنامه‌خود نوبهار، در یك مقالات پیرامون سوسیالیسم و کمونیسم صحبت از سن‌سیمون، فوریه، اوئن و سپس مارکس، لنین مینویسد، زیر عنوان«روسیه‌و کمونیسم» پیش جنبش کمونیستی در روسیه بحث می‌کند، آگاهانه‌ازمقالات را به‌توضیح «برنامه‌کمونیسم روسیه» اختصاص میدهد، (نوبهار، ۲۴ اکتبر ۱۹۲۲، ۲ آبانماه ۱۳۰۱).

البته این قبیل روزنامه‌هارانمیتوان هواداران جدی سوسیالیسم علمی دانست. آنها خود نیز چنین ادعائی را نداشته‌اند. اما در هر حال این مثال‌ها حاکی از تاثیر گسترده اندیشه‌های مارکسیستی در محافل مختلفه روشنفکری و دمکراتیك است.

حزب کمونیست ایران‌توجه‌خاصی به جنبش‌مترقی زنان‌ایران مبذول میداشت. از جمعیت‌های مترقی بانوان‌دراین‌دوره‌باید از جمعیت «پیك سعادت‌نسوان»، که در سال ۱۳۰۲ بوسیله عده‌ای از زنان روشنفکر رشت تاسیس‌شده بود و جمعیت «بیداری زنان»، که در تهران ایجاد شده بود، نام برد. جمعیت «پیك سعادت نسوان» مدرسه و مجله‌ای نیز بهمین نام تاسیس کرده بود، که خدمت بزرگی به روشن‌شدن افکار زنان و بالا بردن میزان آگاهی آنان میکرد. این جمعیت برای نخستین بار در ایران ۸ ماه مارس را بعنوان روز بین‌المللی زنان پذیرفت و برگزار میکرد.

در نتیجه فعالیت حزب، بانوان فعالیکه بتدریج از جمعیت متشکله‌درسال ۱۲۹۸ بنام «نسوان وطنخواه» دور شده بودند، در سال ۱۳۰۵ جمعیتی بنام «بیداری زنان» تشکیل دادند. این جمعیت بیك رشته اقدامات فرهنگی، برگزاری‌نمایش‌وغیره‌می‌پرداخت. درنمایش «دختر قربانی»، که این جمعیت روز ۸ ماه مارس به تماشا گذاشته‌بود،سخنرانهائی‌ازتاریخ و اهمیت‌اجتماعی این روز بین‌المللی زنان صحبت کردند، که بااستقبال پرشور حاضرین روبرو شد. درسال ۱۳۰۸ که ارتجاع ایران هجوم خود را نسبت به‌حزب کمونیست ایران و دیگر سازمانهای مترقی و دمکراتیك توسعه داده بود، فعالیت این‌جمعیت نیز ممنوع شد.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز کار خود توجه زیادی به جوانان کشور داشت. از اسناد مربوط به‌دوره تدارك (۱۲۹۸) نخستین‌کنگره موسسان دیده میشود که، حزب ازسازمان در صدد ایجاد سازمان جوانان بوده است. بالاخره سازمان جوانان حزب کمونیست ایران تشکیل میشود و سپس به عضویت «بین‌الملل جوانان کمونیست» در میآید.

یکی ازطرق‌مهم‌کارسازمانی و ایدئولوژیك‌حزب، از همان دوران ایجادش، عبارت از فعالیت در درون سازمانها و جمعیت‌های مترقی و دمکراتیك و همکاری نزدیك با آنها بود.

کوشندگان حزب از زمان تدارك نخستین کنگره، با بقایای حزب دمکرات ایران، دیگر انجمن‌ها و جمعیت‌های ضد امپریالیستی بخصوص در آذربایجان، تهران، قزوین، همدان، کرمانشاه، شیراز و غیره نظیر «جمعیت‌آزادیخواهان»،«کمیته انتقام»، «جمعیت دمکراتها» ارتباط نزدیك و همکاری داشتند. این جمعیت‌ها، گرچه بسیار مختصر، ولی در هر حال‌برنامه و مرامنامه‌ای داشتند. گرچه فعالیت این سازمانها اغلب جنبه محلی داشت، ولی از لحاظ سازمانی دارای کنفرانس‌ها، کمیته‌ها، حوزه‌ها و محفل‌های منظم در شهرها و حتی دهات بودند.

یکی از این سازمانها، که ارتباط دائمی وهمکاری نزدیك باحزب‌کمونیست‌ایران‌داشت، حزب سوسیالیست (اجتماعیون) برهبری سلیمان میرزا ـ سلیمان محسن اسکندری بود. این حزب‌دارای ارگان‌های مطبوعاتی خود (مجله حقوق و غیره) و سازمانهائی در اغلب‌نقاط کشور بود. پایگاه طبقاتی این حزب نسبتا وسیع وبیشتر از اقشار متوسط بورژوازی ملی، پیشه‌وران شهر و ده، اصناف بازار و روشنفکران دمکرات بود.

رفیق‌فقید عبدالصمد کامبخش درکتاب خودمی‌نویسد:

«پس از مرزبندی و تشکیل حزب اجتماعیون، این حزب یکی از مراکز فعالیت شد. حزب کمونیست ایران درون حزب اجتماعیون دارای فراکسیون متشکل بود و در کارهای سازمانی و اتخاذ روش سیاسی آن حزب تاثیر بسزائی داشت. برای کنگره دوم حزب اجتماعیون، که در نظر بود تشکیل گردد، عده زیادی از اعضای حزب کمونیست ایران از شهرهای مختلف ـ تهران، تبریز، رشت،قزوین، مشهد و غیره‌بنمایندگی انتخاب شده بودند و اگراین کنگره تشکیل میشد، قطعا حزب کمونیست در آن نقش کوچکی نمیداشت.» (همان‌کتاب، صفحه ۳۱).

حزب اجتماعیون در بخش ایدئولوژیك نیز کمك به‌ترویج افکار سوسیالیستی میکرد. برای نمونه کافی است از سلسله مقالاتیکه‌تحت عنوان «سوسیالیسم» در صفحات مجله حقوق (از شماره یکم، اول جدی ـ دیماه ۱۳۰۱ بعد)به‌چاپ‌رسیده‌است،نام برد. مجله‌سعی دارد در این رشته مقالات با زبانی نسبتاً ساده، مضمون عمده و مقصود اصلی سوسیالیسم را توضیح دهد. مجله مینویسد:

«این چه لفظی است و چه‌معنائی دارد، به‌چه شخصی سوسیالیست می‌گویند»؟

در پاسخ به‌این‌پرسش، مجله به‌اختصار به تاریخ پیدایش اندیشه‌های سوسیالیستی در اروپا اشاره میکند و سپس کوشش می‌کند که تفاوت اساسی سوسیالیسم و کاپیتالیسم را از لحاظ مضمون اجتماعی و تفاوت‌بنیادی سوسیالیسم‌و «اندیویدوالیسم»را از جنبه اخلاقی‌انسانی بیان کند (شماره یکم، صفحه ۱۱). در پی‌این بحث، مجله در شماره بعدسعی‌میکند که مفاهیم «کلکتیویسم» و «کمونیسم» را توضیح‌دهد و نشان دهد که‌سوسیالیسم مرحله عالی‌تری در تکامل جامعه بشری است (شماره دوم، اول دلو ـ بهمن ۱۳۰۱، صفحه ۹).

بدین ترتیب فعالیت حزب، چه در بخش سازمانی حزبی و کمك به‌تشکل و پیشرفت جنبش کارگری و اتحادیه‌ای، و چه در بخش ایدئولوژی و ترویج افکار مارکسیسم ـ لنینیسم، رفته رفته در حال‌پیشرفت بود. لیکن رویدادهای کشور بسرعت روبه‌تغییر بود. برای توضیح مختصر وضع سیاسی در کشور، شرایط مقدماتی تشکیل کنگره دوم حزب،جریان کار کنگره و تصمیمات آن، صفحات مربوطه از کتاب رفیق فقید عبدالصمد کامبخش را خلاصه میکنیم:

رونق کار حزب را رضاخان بالقوه برای خود و حکومت دیکتاتوری که‌پی‌ریزی‌میکرد، خطری‌میدانست. لذا همینکه اندکی خود را مستقر یافت، برشدت حمله به کمونیستها افزود. چندروز قبل از انقراض سلطنت قاجاریه، آخرین روزنامه حزبی ـ روزنامه نصیحت توقیف و مدیرش واعظ گیوانی به‌تهران احضار شد و شب نهم آبان ۱۳۰۴ (انقراض سلطنت قاجاریه) جلوی مجلس به‌قتل رسید. ازاین تاریخ حمله گسترده به سازمانهای حزب آغاز شد و از آن پس کمونیستها تحت تعقیب و فشار دائمی پلیس رضاخانی قرار گرفتند. در اینموقع حزب از داخل نیز دچار بحران شده بود. از همان آغاز فعالیت سراسری حزب (انتقال مرکز فعالیت عملی رهبری به‌تهران)موضوع روش نسبت به رضاخان در داخل‌حزب مطرح بود. در آن دوره در نظر اکثریت مردم، رضاخان کسی بنظر میرسید که گویا دست‌سیدضیاءالدین عامل‌امپریالیسم‌انگلیس را کوتاه کرده، ، اقداماتی برای تقویت حکومت مرکزی بعمل آورده، راه را برای‌فعالیت نیروهای مترقی و حتی‌حزب کمونیست مسدود نساخته بود.ولی عملیات بعدی‌رضاخان کاملا از روی ماهیت حکومت او پرده برداشت. او که با حیله و دوروئی از شعار جمهوری (آن زمان بین توده‌های مردم هواداران زیادی داشت) استفاده کرده بود، با تشکیل مجلس موسسان خود را شاهنشاه ایران اعلام کرد. حملات پی درپی نیروهای ارتجاعی قوت میگرفت و راهی برای‌فعالیت نیروهای مترقی باقی نمی‌گذارد. اختلاف نظردر درون‌حزب پیرامون‌ارزیابی حکومت رضا خان شدت یافت. وجود نداشتن نظرواحد در خط مشی عمومی حزب موجب آشفتگی فکری شد. بدنبال آن آشفتگی سازمانی نیز آغاز گردید. در رهبری حزب دوگانگی بوجود آمد. هیئت موقتی ۳ نفری، که برای اداره امورسازمانی بوجودآمد، از طرف عده‌ای از رهبران سابق برسمیت شناخته نشد و در درون حزب دوگانگی رهبری حکمفرما گشت. این‌وضع ایجاب‌میکرد که هرچه زودتر کنگره حزب تشکیل شود.

با تشکیل کنگره دوم حزب (بنام کنگره ارومیه) در سال ۱۳۰۶، مرحله دوم این دوران از فعالیت‌حزب کمونیست ایران آغاز شد. مهمترین مسئله همانا موضوع ارزیابی حکومت رضا شاه و چگونگی رویه‌سیاسی حزب بود. چیزیکه درك‌مسئله رابرای برخی دشوار میساخت، عدم احاطه به‌جریانات عمومی جهانی و عدم اطلاع از تغییراتی بودکه درسیاست‌امپریالیسم انگلیس بوجود آمده و دولت‌انگلیس موفق شده بود خطوط اصلی آن‌را مدتی مستور نگهدارد.

سیاست سنتی انگلیس در ایران و اغلب کشورهای مستعمره و غیرمستعمره‌جلوگیری از تمرکز نیرودردست حکومت مرکزی، تضعیف‌این حکومت وتهدید آن از طریق مسلح ساختن ایالات و شوراندن آنها در مواقع لازم بود، تابدینوسیله همیشه اختیار حکومت مرکزی را در دست خود نگاهدارد. پیروزیهای قطعی انقلاب اکتبر و حکومت جوان شوروی، منظره بین‌المللی را دگرگون‌ساخت. امیدامپریالیسم‌به‌پیروزی‌ضدانقلابیون داخلی روسیه برآورده‌نشد. لشکرکشی چهارده دولت امپریالیستی علیه جمهوری‌جوان‌شوروی شکست خورد. برای مبارزه علیه سوسیالیسم پیروز نقشه دراز مدت لازم آمد. نقشه تضعیف‌اقتصادی و سیاسی دولت‌شوروی و محاصره آن در نوبت اول قرار گرفت. برای اینکه حلقه سستی در این‌زنجیره محاصره وجود نداشته باشد، حکومتهای نسبتا نیرومند و متمرکز در اطراف اتحاد شوروی لازم بود. ایران یکی از این حلقه‌های محاصره بود. رویدادهای سیاسی آن روزی ایران، از کودتای سوم حوت و اخراج سید ضیاءالدین تابه تخت نشستن رضاخان، می‌بایستی‌اززاویه‌این‌وضع‌نوین ومورد‌بررسی قرار میگرفت، و حال آنکه مبنای تحلیل بسیاری از نیروهای مترقی، وازآنجمله عده‌ای از رهبری حزب، همان سیاست‌سنتی سابق انگلیس بود.

در قطعنامه کنگره گفته میشود:

«عده‌ای ازرفقاچه در ایران و چه در خارجه‌دچار اشتباهات شده و عقیده‌داشتندرضاخان برعلیه‌امپریالیسم انگلیس مبارزه کرده است. ولی حقایق مسلمه‌ای که در عرض چند سال‌جمع‌شده‌بود،علنا مخالف این‌تصورات بود.»

این‌عده ازرهبری حزب‌درتحلیل پایگاه اجتماعی و طبقاتی حکومت رضاخان نیز دچار خطا بودند. آنها تغییراتیرا که‌در موضع‌طبقاتی‌شخص‌رضا خان‌وحکومت او پیدا شده بود، درك نمی‌کردند. آنها (جناح راست) با تزهای خود به‌کنگره‌آمده بودند، که خلاصه آن‌اینست:

«کودتای رضا خان (منظور برانداختن قاجار و اعلام سلطنت پهلوی است) معنایش سقوط حکومت فئودالی واستقرارحکومت‌بورژوازی‌است». این‌کودتا «مبدا جدیدی در تاریخ معاصر ایران است».

در صورتیکه حکومت رضاشاه در واقع متکی به طبقه بزرگ مالکان و قشر بورژوازی کمپرادور (دلال امپریالیسم) بود. از اینرو نیز در تزهای سیاسی‌کنگره دوم در این مورد گفته میشود:

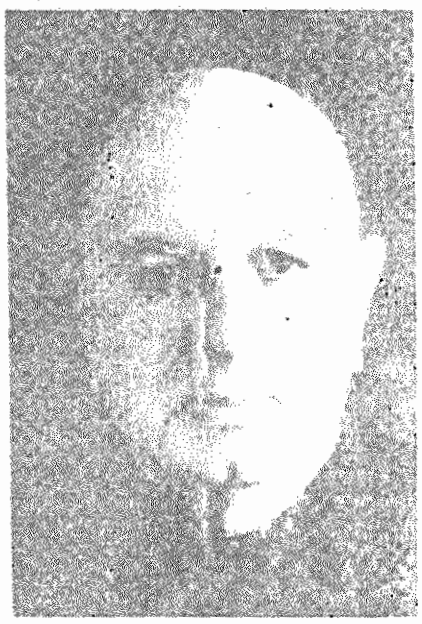

سیروس بهرام (آخوندزاده) از رهبران حزب کمونیست ایران. رفیق سیروس کهنسال‌ترین عضو حزب‌تودهٔ ایران است

«رضا خان هنگامیکه برای تصرف حکومت مبارزه میکرد، حقیقتا کوشش نمود که به بورژوازی ملی‌اتکاء نموده و حتی با عناصر جمهوری‌طلب و تشکیلات طبقه پرولتاریا نیزمبارزه و عشوه‌فروشی‌مینمود. اما عملیات اوهیچوقت از دائره‌مبارزه برای‌تصرف حکومت در قالب رژیم فئودالی و ملاکی خارج نشد... این حقیقت که در موقع کودتای رضا خان (منظور بسلطنت‌رسیدن است.ع.ك) طبقه‌فوقانی‌بورژوازی‌ازاو تقویت‌کرد وحالا هم‌تاحدی تقویت‌میکند، بورژوازی‌بودن سلطنت رضا ـ خان را ثابت نکرده، بلکه ظاهر میکند که رضا خان با کمال مهارت توانست اساس رژیم ملاکی فئودالی را با کمك و مساعدت‌طبقه‌فوقانی بورژوازی محکم‌نماید».

در تزهای کنگره کوشش شده است به‌گرایش دیگری هم که در درون حزب وجود داشت، پاسخ داده شود. عده‌ای معتقد بودند، کاری که رضاخان کرده، صرفا یك کودتای درباری بود و هیچگونه محتوی اجتماعی ـ طبقاتی‌نداشت. تزهای کنگره این نظررا نیز ردمیکند و متذکر میشود:

«اشتباه محض‌است اگرکودتای رضا خان را مانند یك کودتای درباری تصور نمائیم».

جناح راست رهبری حزب از تحلیل خوددونتیجه نادرست میگرفت: یکی‌اینکه باوجود حکومت رضا شاه تحول مسالمت‌آمیز (باصطلاح‌آن‌زمان«ترقی‌صلح‌آمیز») بمرحله بعدی ممکن است، و دوم‌اینکه در مبارزه علیه امپریالیسم تا درجه‌زیادی میتوان به حکومت رضاشاه تکیه کرد. تزهای کنگره این بحث را نیز بشرح زیر جمع بندی میکند:

«درس و تجربه واضحی که از مسئله کودتای رضا خان گرفته میشودعبارت از آن است که‌این کودتا و مخصوصا رژیم‌سیاسی که‌بعد از آن برقرار گردیده، هر تصورواهی را راجع به‌امکان یك ترقی صلح‌آمیز مبارزه طبقاتی در ایران برطرف نموده‌است».

ودرباره نتیجه دوم:

«از روزیکه‌رضاخان‌برعرصه‌سیاست قدم‌گذاشت، متکی به‌انگلیس بود. ولی تا سال ۱۹۲۵ (۱۳۰۴) خیلی‌ها باین حقیقت پی‌نبرده بودند. بعداز خفه نمودن شورش‌های توده‌ی زحمتکشان، و بعد از تاجگذاری، اتحاد محکمی میان رضاخان و انگلیس‌بسته‌شد.بنابراین هرگاه بگوئیم که درردیف مدافعین تخت و تاج سلطنت رضا شاه‌پهلوی، که‌عبارت ازاعیان واشراف‌وروحانیون و یك قسمت از بورژوازی کمپرادور (یعنی بورژوازی دلال تجارت خارجی) امپریالیسم انگلیس هم جاگرفته است، اغراق نگفته‌ایم ... این مسئله منافی باآن‌نیست که گاهی‌نیزرضاشاه‌برخلاف‌سیاست استعماری انگلستان در تحت فشار ملت مجبورا قدمهائی بردارد (قرارداد با روسیه‌شوروی)».

یکی از بحثهای علمی که آنزمان حزب را بخود مشغول ساخته بود، موضوع رشد سرمایه‌داری درایران و چگونگی گذار جامعه ازاین مرحله بود. تزهای کنگره به‌این مطلب بشرح زیرپاسخ میدهد:

«درایران شرایط عمومی‌ترقی سرمایه‌داری هنوز موجود نمیباشد، زیرا ایران هنوز دوره تجمع اولیه سرمایه‌را طی نکرده و برعکس بواسطه کسر دائمی صادرات نسبت به‌واردات هنوز سرمایه قابل توجهی ذخیره نشده است... باین جهت ترقی سرمایه‌داری در ایران بابودن رژیم حاضر فقط از طریق ضمیمه شدن به سیستم کلنی‌های (مستعمرات) انگلیس ممکن میباشد ... هرگاه در نظر گرفته شود که مهمترین موسسات درشت اقتصادی مملکت از قبیل بانك و تلگراف، نفت و غیره در دست انگلیسها تمرکز یافته است، معلوم خواهد شد که‌هرگونه حرفی راجع به‌توسعه سرمایه‌داری و ترقی صنایع در ایران بی‌اساس و بیمعنی است. هرگاه ایران بخواهد در مقابل‌دول‌امپریالیستی حقیقتا دارای‌استقلال کامل بوده‌ومبدل به‌یك مستعمره سرمایه‌داران انگلیس نشود، براو لازم است (واو براین‌کار قادر است) که از طریق سرمایه‌داری صرفنظر کند».

باید گفت، پاسخی هم که کنگره بموضوع مورد بحث آنروز داده است، خالی از اشتباه نیست. این اشتباه بصورت کم‌ارزش دادن به‌تجمع اولیه سرمایه، عدم توجه کافی به‌نقش رقابت بی‌امان سرمایه‌های امپریالیستی و بالاخره در نظرنگرفتن تناسب‌نیروها در عرصه بین‌المللی و سیر انقلاب سوسیالیستی درجهانست.

بقیه درصفحه ۷

www.iran-archive.com

اخبار کارگری

در شرایط کمبود آب، بلاتکلیفی کارگران پروژه تصفیه‌خانه تهران پارس بسود ضدانقلاب است

پروژه تصفیه‌خانه تهران پارس حدود ۵ سال پیش درچهار قسمت آغاز شد.

درحال حاضر سه قسمت این تصفیه‌خانه آماده بهره برداری است وحدود هفتاد درصد ازکارهای طرح تصفیه‌خانه چهارم پیاده شده است.

درطرح اخیر دویست‌وپنجاه کارگر وتکنیسین مشغول کار بوده اند.

نیروی کار این پروژه، پیش ازانقلاب، بوسیله یك مقاطعه‌کار تامین میشد وبعدا، سازمان آب ادامه کاررا راساً بدست گرفت. دراین گیرودار مشکلاتی برای کارگران روزمزد وپیمانی فراهم شد، به‌این معنی‌که ازجانب سازمان آب به کارگران قول استخدام رسمی داده شد.

ازآن تاریخ تاکنون (درحدود یکسال) باکارگران مانند کارگران رسمی رفتار شده است.

اخیرا، بدنبال یك درگیری، نوزده‌نفر ازکارگران بدون دلیل موجه، اخراج شدند ودرمورد دیگران نیز ازنظر استخدام رسمی ابراز تردید می‌شود.

این وضع به نارضایتی واعتراض شدید کارگران منجر شده است وکارگران اعتراض خودرا رسما ابراز داشته‌اند.

عوامل‌فوق منجربه کندی جریان کارشد وازآنجایی‌که تصفیه‌خانه‌ها درخارج ازشهر قرار دارند، بدنبال اجرای طرح ترافیك و جمع کردن وسایل ایاب وذهاب کارگران مذکور کار پروژه عملا تعطیل شد.

کارگران این پروژه اعتقاد دارند:

«باتوجه به‌نقشی‌که این تصفیه‌خانه می‌تواند درمقابله باکمبود آب ایفاکند، مسئولین امور باید هرچه زودتر به خواست‌های ما توجه کنند وطرح تصفیه‌خانه رامجددا شروع کنند.»

اهم خواست‌های دیگر کارگران بقرار زیر است:

- کارگران خواهان بازگشت افراد اخراجی هستند،
- کارگران خواهان تامین سرویس رفت‌وآمد خود هستند،
- کارگران خواستار استخدام رسمی خود هستند.

درارتباط باطرح فوق، درشرایط کنونی جامعه وباتوجه به مساله آب شهرتهران، بویژه باتوجه به‌این‌که ضدانقلاب درفکر فراهم‌آوردن زمینه‌های هرچه بیشتر نارضایتی بمنظور تجهیز ارتش ضدانقلاب وسربازگیری ازمیان صفوف زحمتکشان است، بی‌توجهی به‌خواست‌های برحق این کارگران درحکم بی‌توجهی به‌سرنوشت انقلاب است. بهوش باشیم!

کارگران ریسندگی ناهید اصفهان خواستار ملی‌شدن کارخانه هستند

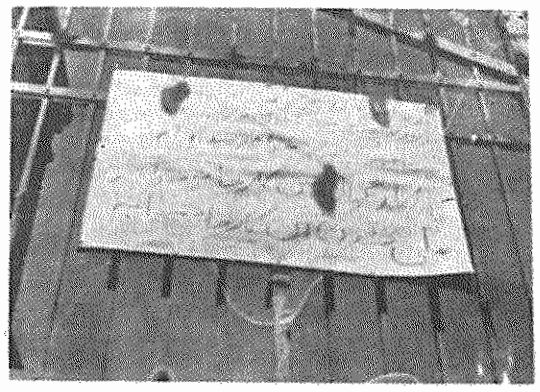

کارخانه ریسندگی ناهید اصفهان سیصد کارگر دارد. این کارخانه پیش ازانقلاب، دراختیار دوتن ازسرمایه‌داران اصفهان بود وبوسیله آنان اداره میشد. دردوران دولت موقت آقای بازرگان، کارفرمایان باسرهم کردن مدارکی موفق شدند مبلغ شش میلیون تومان ازدولت وام بگیرند.

کارگران‌که رنج استثمار سالیان وماهیت غارتگرانه وطاغوتی کارفرمایان راعمیقا می‌شناختند، درصدد برآمدند تادست آنان را ازامور کارخانه کوتاه کنند.

کارگران معتقد بودندکه دولت باید کارخانه راملی کند و جلوی چپاول بیشتر کارفرمایان را بگیرد.

سرانجام کارگران موفق شدند درتاریخ ۱٤ اسفند ۵۸ کارفرمایان رااز کارخانه اخراج کنند، وباتشکیل شورا اداره کارخانه راخود بدست گیرند.

ازآن‌پس این خواست کارگران درتابلویی بردر ورودی کارخانه بچشم می‌خورد. دراین تابلو پس ازنقل کلماتی‌از **امام‌خمینی** آمده است:

«ماکارگران خواستار ملی شدن این کارخانه می‌باشیم.»

متاسفانه باتمام تلاشی‌که شورا دراین زمینه بعمل آورده وبا مراجعه مکرربه وزارت صنایع ومعادن، این خواست انقلابی کارگران هنوز صورت تحقق نیافته است.

گفتنی است‌که کارگران خواستهای اصولی خودرا، همگام باحفظ آهنگ منظم تولید، وحتی بالابردن بیشتر سطح تولید، و مقابله بامشکلات موجود، ازطریق قانونی دنبال میکنند ومیگویند:

«ماهرگز دراین شرایط برای گرفتن خواست خود تولید را متوقف نخواهیم کرد، بلکه سعی می‌کنیم مسایل خودرا از طریق مشاوره بامسئولین دولتی حل کنیم.»

شایسته است مقامات مسئول نسبت به‌این خواست انقلابی کارگران، که خصوصا درشرایط دشوار خنثی‌کردن محاصره اقتصادی امپریالیسم وبرای رسیدن به استقلال اقتصادی، ازاهمیت ویژه‌ای برخوردار است، توجه کافی نشان دهند.

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز و حومه:

وظیفه دولت است که به‌خواستهای مارسیدگی کند!

خواستهای کارگران:
● شورا باید در تصمیم گیریها شرکت کند
● افزایش حقوق ـ بیمه ـ بازنشستگی:

شرکت واحد اتوبوسرانی تبریزو حومه در سال ۱۳٤۵ تاسیس‌شده است.

درحال حاضر ۹۵۰نفر کارگر اعم از راننده، بلیط پاره‌کن، بلیط فروش و تعمیر کار در آن مشغول بکارند.

کارگران این شرکت از افزایش بی‌رویه هزینه زندگی، بویژه‌مایحتاج ضروری، بشدت ناراحتند و از دولت‌میخواهندکه به خواستهایشان رسیدگی کند.

برای‌بررسی‌خواستها ومشکلاتشان پای صحبت چند تن از کارگران شرکت می‌نشینیم وقتی که دهان باز میکنند، دوره پیش از انقلاب را با موقعیت‌کنونی مقایسه میکنند. آنها میخواهند در شرایط بهتری زندگی کنند. یکی‌از رانندگان شرکت، با۹ سال سابقه کار، میگوید:

«بعد از پیروزی انقلاب، وضع ما کمی بهتر شده. چندی پیش شورای کارگران شرکت واحد را تشکیل دادیم. ولی مدیر عامل شرکت مثل سابق هر کاری انجام میدهد و تاکنون به هیچ یك از نامه‌های شورا ترتیب اثر نداده است.»

کارگران میخواهند در تصمیم ـ گیریهای مربوط به خودشان شرکت داشته باشند، ولی تاکنون یکبار هم نشده که مدیر عامل‌درکارها با کارگران مشورت کند. یکی دیگر از رانندگان شرکت‌ادامه میدهد:

«بعد از انقلاب دستمزد روزانه ما را مثلا ۱۰ تومان اضافه‌کرده‌اند و حالا روزانه ۸۵ تومان حقوق میگیریم، ولی از طرف دیگراجناس چند برابر گرانتر شده ...»

کارگران شرکت واحد صبح زود مشغول کار میشوند و شب دیرتر به خانه میروند و با این حقوق نمیتوانند مخارج روزانه خود رااز گوشت و برنج بگیر تا میوه وسیگار و ... تامین کنند. راننده ادامه میدهد:

«من با ٦ سرعائله و کرایه مسکن و هزاران خرج دیگر، بااین‌حقوق چه‌کنم؟ استخدام رسمی هم که نیستیم. در نتیجه از بازنشستگی و غیره هم خبری نیست.»

کارگر دیگری میگوید:

«درکارهایمان کارشکنی میشود. مثلا قرار بود ۲۵۰۰ تومان پاداش عید به ما بدهند. ولی با گذشت سه ماه آنهم در دو نوبت با کم‌کردن مبلغی(که معلوم نشد برای چه و کجا؟) به ما دادند. بیمه هم نیستیم هر ماه‌بیش‌از ۱۰ دفترچه نمی‌دهند، آنوقت پول بیمه را از حقوقمان کسر میکنند.»

و ادامه میدهد:

«بچه‌ام سه ماه است که مریض است. چون دفترچه بیمه ندارم، ناچارم به دکتر شخصی مراجعه کنم.»

کارگران از اینکه دستگاه‌دولتی پاکسازی نشده و از جمله وضع‌بیمه بسود زحمتکشان تغییری نکرده، بشدت ناراحتند.

وضع کارگران بلیط پاره کن‌و بلیط فروش از این بدتر است. یکی از کارگران کمك راننده که ۷ فرزند دارد و بلیط پاره میکند، میگوید:

«روزانه ۵۸تومان‌حقوق‌میگیرم. استخدام رسمی نیستم. آینده‌مان چه خواهد شد؟ وظیفه دولت است که به وضعمان برسد.»

آنها بحق نگران آینده خانواده خود هستند، چون هزینه زندگی بر دوش آنان سنگینی میکند. تحمل این بار، هر روز که میگذرد، دشوارتر می‌شود.

یکی از کارگرانی که ١٤ سال سابقه بلیط‌فروشی دارد وباحقوق روزانه ۷ تومان شروع بکار کرده و حالا ۷۱ تومان میگیرد، میگوید:

«با این همه کار هنوز هیچ‌چیز نداریم ۷ نفریم که در یك اطاق زندگی می‌کنیم. پسرم، که ازدواج کرده است، با همسرش با ما در همین اطاق زندگی می‌کنند.»

اکثریت زحمتکشان برای تامین مخارج روزمره زندگی، مجبورند پس از اتمام کار اصلی روزمره، کار دیگری هم‌بکنند، مثل همین کارگر:

«ناچارم‌بعد از تعطیل شدن‌کارم، دستفروشی کنم.»

حرفها و دردهای کارگران رابا یکی از اعضای شرکت‌تعاونی شرکت واحد در میان می‌گذاریم. میگوید:

«قبل از انقلاب از تمام مزایای کارگران عده‌ای محدود استفاده میکردند، که نه تنها خود کار نمی‌کردند، بلکه در کار مردم زحمتکش هم اخلال می‌کردند. حالا ما جلو این افراد را گرفته‌ایم. با توجه به اینکه شورای شرکت تازه تشکیل‌شده، تاکنون، مابه ـ التفاوت حقوق کارگران را پرداخته و به وضع حقوقی کارگران رسیدگی کرده است.»

و اضافه میکند:

«ما تصمیم داریم آن محلاتی‌که اتوبوس نمیرود، در صورت اسفالت شدن از طرف شهرداری، و یا امکان رفت‌وآمد، اتوبوس‌بگذاریم.»

دردها کمابیش مشترك است. در این‌جا زحمتکشان از گرانی هزینه زندگی، از کمی دستمزد، از عدم تامین آتیه، از نداشتن یك زندگی شایسته و مرفه و در یك کلام از عوارض تکبت‌باروژیم پهلوی دردها در دل دارند.

انقلاب آنها را تکان داده است آن‌ها خود به انقلاب و به‌پیروزی جنبش انقلابی‌یاری‌رساندند و اکنون مصمم‌اند تا سایه شوم گذشته را از زندگی‌خویش‌برانند. زحمتکشان را دریابیم، انقلاب را در زندگی آنان راه دهیم و این وظیفه‌انقلابی و خلقی را دست کم نگیریم!

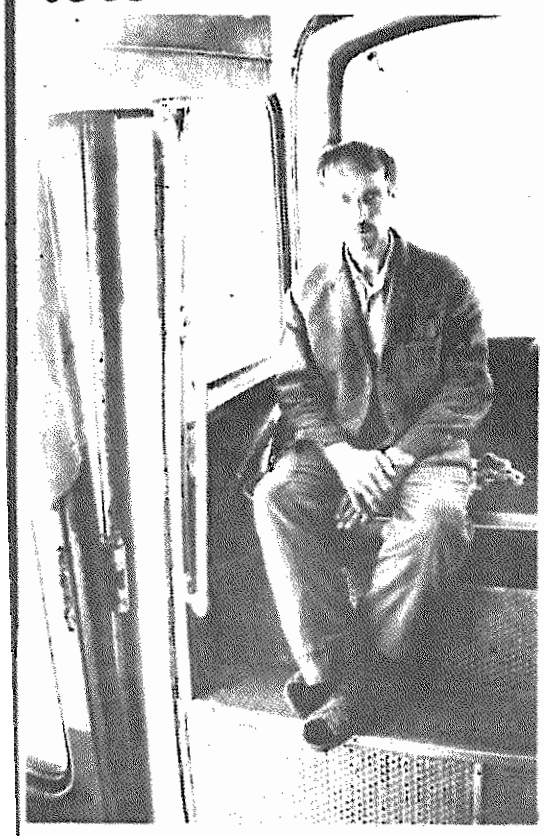

یکی‌ازبلیط‌پاره‌کن‌های شرکت واحد ـ محرومیتهای زندگی درچهره‌اش موج می‌زند، نگران آینده‌است

عده‌ای ازرانندگان‌شرکت‌واحد اتوبوس‌رانی‌تبریزوحومه ـ به‌خواستای‌بحق آنها باید پاسخ مثبت داد

فقط‌بابرخورددرست‌واصولی‌می‌توان مسائل‌را حل کرد

قطع هزینه مسکن جو متشنجی در «هما» ایجاد کرده است

در دوران طاغوت، بخصوص زمانی‌که تیمسارخادمی معدوم، مدیرعامل هواپیمائی ملی‌ایران (هما) بود، حدود چهار سال کارکنان هما اضافه‌حقوق دریافت نکردند. بنابه مشی ارتجاعی و بندوبست‌های گروه حاکم بر هواپیمائی ملی‌ایران، رقمی‌بنام هزینه مسکن را بعنوان بخش ثابتی از حقوق قراردادند تا هروقت اراده‌کردندبتوانندآنرا قطع‌کنند.

ازآن پس اضافه‌حقوق رابه هزینه‌مسکن افزودند، بطوریکه حدود سی الی چهل‌درصد درآمد هرکارمند وکارگر (هشتصد الی ۳۰۰۰ تومان) را هزینه مسکن تشکیل میدهد.

باسیاستی که امروزه دولت درمورد قطع هزینه‌مسکن‌برای وام‌بگیران و خانه‌دارها اتخاذ کرده است، جوومتشنجی در هواپیمائی ملی‌ایجاد شده است.

روز یکشنبه ۵۹/۴/۱، گروهی بالغ بر یانصد نفر از کارکنان قسمتهای فنی واداری جلو اداره‌مرکزی «هما» واقع‌در فرودگاه مهرآباد گردهم‌آمدند. یکی‌ازکارمندان بوسیله بلندگوی دستی خطاب به سرپرستی اظهار داشت:

«این‌تصمیم(قطع‌وکاهش‌هزینه مسکن) دراین مقطع از زمان منطقی بنظر نمی‌رسد. با توجه باینکه هزینه‌مسکن بنابه سیاست خاص زمان طاغوت، رقم بالائی است، قطع‌آن باتوجه به تورم سرسام آورفعلی ضربه‌جبران ناپذیری به‌کارکنان بخصوص کارگران فنی‌خواهدزد. پس‌بهتر است تصمیمات معقولی اتخاذشود تافشارزیادی به‌قشرحقوق‌بگیران واردنشود.»

تا روز سه‌شنبه ۵۹/۴/۳ مساله بقوت‌خود باقی ماند. در این‌روزجمعی‌بالغ‌برهشتصدنفراز کارکنان«هما»(کارگران، کارکنان فنی واداری) درراهروهای‌اداره مرکزی گردهم‌آمدند وخواستار رسیدگی به‌مشکل خود شدند. آنها تاساعت چهار بعدازظهردر راهروها پس‌بردندولی‌کسی‌بآنها پاسخی نداد.

متاسفانه نحوه‌برخوردخشن ویك‌جانبه سرپرستی، که‌کارکنان را «ضدانقلاب» و «کمونیست» نامیدوآنها را به «جریمه» تهدید کرد محیط رابشدت متشنج‌کرد.

●●●

مامی‌گوییم دراین شرایط که قیمت‌ها روزبروز بطورسرسام آوری در حال افزایش است، قطع هزینه مسکن، بخصوص در هواپیمائی ملی‌ایران، ضربه سنگینی به‌قدرت خرید کارکنان وارد خواهد ساخت. این‌مسئله برای‌کسانی که حقوق آنها در سطح پائین‌قراردارد (مانندطبقه کارگر) تأثیر زیادی خواهد داشت. بخصوص اینکه این‌افراد زحمتکش، حامیان‌صدیق انقلاب هستند. پس قطع‌هزینه‌مسکن باعث نارضایتی این قشرمیشودو دستاوردهای انقلاب‌را به‌مخاطره خواهد انداخت.

درضمن دراجتماع دوروزه هواپیمائی ملی افرادی‌نیز بودند که دررژیم طاغوت ازامکانات استثنایی برخوردار بودند، و امروز ازآن جاه‌وجلال‌محروم شده‌اند، این خود نمایانگر آنست‌که ازاین وضع،ضدانقلاب وطرفداران طاغوت نیز به‌نحو مطلوبی بهره برداری خواهند کرد.

شرکت‌امپرجیلوتسا از پرداخت‌مزایای کارگران خودداری میکند!

شرکت «امپرجیلو تسا» در صد کیلومتری تهران در دامنه البرز قرار دارد. این شرکت عملیات‌سدسازی (سد خاکی) لار رابرعهده‌دارد. خود «امپرجیلو» ایتالیائی است وازسرمایه‌گذاری سه‌شرکت«امپرزیست»، «جیرولا» و «لودی‌جیانی»ـ که در ایتالیا به امورمقاطعه مشغول‌هستندـتشکیل شده است.

«تسا» شرکتی‌است ایرانی، که قبل ازانقلاب شریك منافع سد بوده است، ولی ازآنجائی‌که این‌شرکت‌مربوط‌به «هزارفامیل» بود وبافراماسونرهای ایرانی زدوبند داشت، سهامداران‌شرکت پس ازپیروزی انقلاب متواری شدند.

درشرکت «امپرجیلوتسا» حدود هزاروصد نفرکارمی‌کنند (هزارکارگر و ۱۰۰ کارمند). تقریبا همه‌کارگران در محیط سد لار سکونت دارند. ماشین‌آلات شرکت بیشترآمریکائی واز نوع کاترپیلار است.

کارگران این شرکت از مزایای قانونی محروم هستند، باین‌جهت چندی‌پیش‌ضمن‌نامه‌ای به تشریح خواستهای خود پرداختند.

دراین‌نامه‌ها تاکیدبراین‌که پس‌ازدرهم‌شکستن قدرت طاغوت «بایدبیدارباشیم وبکوشیم تاحق واقعی خودرا بگیریم»،

اهم خواستهای‌کارگران بقرار زیرآمده است:

۱ـ جلوگیری از اخراج بی‌رویه‌کارگران توسط‌کارفرما،

۲ـ دریافت‌حق‌اولاد،

۳ـ برابری‌دستمزدکارگران این‌شرکت باسایرشرکتها،

۴ـ برابری پایه حقوق کارگران ورانندگان،

۵ـ پرداخت‌حق‌بیمه‌ومالیات کارگران به نسبت سال‌گذشته،

۶ـ دریافت حق‌مسکن وحق شیفت و خواربار به نسبت سال گذشته،

۷ـ تامین وسائل ورزش کارگران،

۸ـ تامین لباس‌وکلاه ایمنی برای عموم‌کارگران،

۹ـ تامین‌شیربرای‌کارگران (چون‌محیط‌کارخانه مملوازگرد غباراست.)

۱۰ـ ایجاد سرویس رفت وبرگشت ازمحل‌کارتاکمپ،

۱۱ـ افزایش‌حقوق‌کارگران به تناسب افزایش هزینه‌زندگی

تأمین کاربرای کارگران بیکار، یکی ازنخستین وظایف دولت انقلاب است

www.iran-archive.com

اتحادیه دهقانان درخدمت انقلاب وزندگی بهتر

● سابقه و تاریخچه ۳۷ ساله اتحادیه‌های جدید دهقانی

● تشکل دهقانان در اتحادیه‌های دهقانی به پیشبرد اهداف انقلاب خدمت میکند

● سازمان صنفی دهقانان حافظ منافع توده‌های میلیونی دهقانان و تضمین کننده شکوفائی اقتصاد کشاورزی است

درخردادماه سال ۱۳۳۲، باتشکیل اولین اتحادیه‌های دهقانی دراطراف تهران ودیگر استانهای ایران، فصل نوینی درجنبش‌دهقانی ایران آغاز گردید.

ندای حق طلبانه دهقانان درسالهای سیاه رژیم رضاشاه، که از وجود نظام پوسیده اربابـرعیتی رنج میبردند، نضج میگرفت و بسیاری از روستاهای‌ایران مبدل‌به میدانهای مقاومت ومبارزه علیه فئودالها و اربابان میشدند. این مبارزات حق‌طلبانه در دوران رضاخان باسرکوب دستگاههای پلیسی‌دولت روبرو میشد و حکومت‌ضدملی و فاسدپهلوی میکوشید، بااستحکام مواضع فئودالها و زمینداران وابسته به دربار، موقعیت‌اجتماعی خودرا تحکیم بخشد.

فرار رضاخان درشهریور ۲۰ و بدنبال آن پیدایش جوی نسبتا مساعد، به مبارزات دهقانی بعدی جدید بخشید. جنبش دهقانی بعداز شهریور ۲۰ کمیت وکیفیتی برتریافت وصدای حق‌طلبانه دهقانان و حرکت نوین آنان، که خواستار طرد استثمار فئودالی در روستاهای ایران بودند، نشان میداد که مرحله‌ای رشدیافته‌تر ازتاریخ جنبش های دهقانی در ایران آغاز میشود. رشدمبارزات دهقانی بزودی منجر به‌آن شدکه، خود دهقانان بـه‌لزوم تشکل و سازمان یافتن مبارزات پی ببرند.

تشکیل **اتحادیه‌های دهقانی** بعنوان نهاد رهبری‌کننده و سازمان‌دهندهٔ مبارزات‌دهقانان به ضرورتی اجتناب ناپذیر مبدل شد.

در خـردادماه سال ۱۳۲۲، اعضاء و هواداران حزب توده ایران دراین جهت نیز پیشقدم شدند وبادرك این ضرورت، اقدام به سازماندهی مبارزات دهقانی کردند. بدین ترتیب اولین اتحادیه‌های دهقانی در اطراف تهران وسپس درسایر استانها تشکیل شد. باالهام ازمحتوی مبارزات دهقانان‌وضرورت تحولات عمیق درروابط تولیدی حاکم بر روستاها، مرامنامه اتحادیه‌های دهقانی‌تدوین گردید. ازجمله طرد سیستم اربابـرعیتی، بازخرید املاك بزرگ وتقسیم بلاعوض آن بین دهقانان برزمین وکمزمین وهمچنین تقسیم اراضی خالصه درمرامنامه اتحادیه دهقانی تبلور یافت.

اتحادیهٔ دهقانان موفق شدبزودی‌سازمان‌های خودرا درسطح شهرستانها و استانها گسترش دهد، بطوریکه درمدت کوتاهی، یعنی تااواخر سال ۱۳۲۵، اتحادیه دهقانان درگیلان، آذربایجان، مازندران، کرمان، خراسان، همدان، کرمانشاه، اصفهان، فارس، قزوین، اراك ویزد دارای‌سازمانهای وسیعی بود. شمار های اتحادیه در سطح شهرستانها واستانها درتشکل صفوف چند صدهزارنفری دهقانان نقشی والاایفا می‌کرد.

تشکیل‌اتحادیه‌های دهقانی نمونه‌ای‌برجسته ازبیداری وحق‌طلبی دهقانان زحمتکش بود، که راه نجات وپیروزی خودرا علیهٔ سیستم بهره‌کشی ارباب ـ رعیتی درتشکل واتحاد در سازمانهای صنفی، که حافظ منافع آنان است، میدیدند. اتحادیه‌های دهقانی، طی سالهای فعالیت خود، نقشی بس والا در رشد و آگاهی اجتماعی‌دهقانان ایفا کردند. درمراحل بعدی وپس ازفرازونشیب‌هائی، بدنبال مبارزات ضدامپریالیستی مردم‌وتضعیف مواضع امپریالیسم ومطابق با شرایط جدید فعالیت، اشکال دیگر تشکل صنفی دهقانان بوجود آمد، که «انجمن کمك بدهقانان» نمونه آن بود.

بدنبال کودتای بربرمنشانه امپریالیسم آمریکا وتاروودسته دست‌نشانده شاه سابق، پس از۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتحادیه‌های دهقانی وسایر انواع تشکل صنفی دهقانان، مانند سایر سازمانهای صنفی و سیاسی بشدت سرکوب شد. ازاین طریق ضربه‌ای بزرگ به‌جنبش دهقانی ایـران وارد آمد. ولـی اثرات ژرف سالها نبرد وحق طلبی درجامعه ماودر قلب دهقانان بسیاری ازنقاط باقی ماند.

هم‌اکنون نیز پس ازسرنگونی رژیم نکبت‌بار سلطنتی وابسته واستبدادی‌وپیروزی انقلاب بزرگ ما، باردیگر ضرورت تشکل دهقانان درسازمانهای صنفی خود بیش از پیش حس میشود.

اکنون مسئله سروسامان دادن به‌اقتصاد کشاورزی، حل وفصل مسائل مربوط به‌زمین وتولید ومسائل رفاهی وعمرانی، که ازاهداف انقلاب است، دربرابر قراردارد. اتحادیه‌های دهقانی درگذشته دردورانی بوجود آمدندکه جامعه ایران دراسارت رژیمی ضدملی و ضد مردمی وحامی امپریالیسم قرار داشت و همه‌اهدافو برنامه‌های‌رژیم‌علیه‌زحمتکشان متوجه بود. امامروز اتحادیه‌های دهقانی درجهت انقلاب وبرای دفاع از جمهوری اسلامی ایران ودفاع از دستاوردهای آن و پیشبرد اهداف آن، که بسود زحمتکشان است، علیه امپریالیسم وپایگاههای‌اجتماعی آن، منجمله بزرگ مالکی تشکیل میشود. امروز حفظ منافع دهقانان زحمتکش از پیشرفت جامعه انقلابی وتعمیق اهداف خلقی وضدامپریالیستی انقلاب، که خود دهقانان سهم بزرگ وارزنده‌ای درآن داشتند، جدا نیست. اتحادیه‌های دهقانی امروز میتوانند بطور موثر به ارگانهای مسئول یاری دهند و از نهادهای‌انقلابی در روستاهاحمایت‌کنند وازحمایت‌آن برخوردار باشند.

رهبری انقلاب توسط امام خمینی وخط وی، که حامی مستضعفین است، بیداری و فعالیت توده‌های روستائیان ووجودنهادها و مسئولانی‌که نیروی خودرا پیگیرانه درخدمت دهقانان زحمتکش قرار میدهند، شرایط پیروزی و موفقیت دهقانان را در مبارزه‌علیه بزرگ مالکی وبقایای فئودالیسم، درپیکار برای تولید هرچه بیشتر وایجاد اقتصادسالم و شکوفای کشاورزی، برای زندگی بهتر روستائیان درروستاهائی که شایسته زیست انسان‌باشد، مساعدوممکن میسازد. اتحادیه‌های دهقانی میتوانند وسیله کارسازوموثری باشند، تا از این امکان مساعد، انقلاب ما هرچه بیشتر بهره برد.

تشکیل اتحادیه‌های دهقانی، بعنوان **سازمان صنفی‌دهقانان**، بعدازانقلاب،بخصوص درشرایط فعلی‌که قانون واگذاری زمین به دهقانان تهی‌دست ازمرحله تصویب گذشته وبزودی باتشکیل هیئت‌های هفت نفری به مرحله اجرا درخواهد آمد، ضروری است. این اتحادیه‌ها میتوانند درامر اجرای قاطع وهمه‌جانبه قانون مصوبه واگذاری زمین و نظارت برآن وآئین‌نامه اجرائی بـه سود دهقانان تهیدست کمك شایانی کنند.

این اتحادیه‌ها میتوانند دراجرای برنامه‌های اقتصادی وعمرانی دولت ونهاد های انقلابی نظیر جهاد سازندگی نقش مهمی‌ایفا کنند ومشارکت عموم دهقانان راتامین نمایند واسباب موفقیت برنامه رشداقتصادکشاورزی وازدیاد تولید وهمچنین بهسازی دهات را فراهم آورند.

این اتحادیه‌ها، که‌درسطح روستاها و دهستانها تشکیل میشود، میتواند سازمانهای خودرا درسطوح شهرستان واستان وبالاخره در سطح‌کشور گسترش دهدبیانگر منافع صنفی وخواست‌های دهقانان است و بـرای انجام این خواستها اقدام می‌کند.

همچنین تشکل دهقانان در یك سازمان وسیع صنفی ضمانتی است برای حفظ‌حقوق اجتماعی دهقانان. همکاری اتحادیه‌های دهقانی باشوراهای ده درجهت تحقق خواست های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، عمرانی دهقانان وایجادتحولات‌ضرور درشرایط کار وزندگی دهقانان، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

شورای ده دارای اهمیت عظیمی است، زیرا حلقه اساسی نظام شورائی کشور ویك ارگان حکومتی وخلقی است، که صاحب اختیارات وامکانات است، میتواند تصمیم بگیرد واجرا کند. درنهایت، همه‌برنامه‌های رشد وعمران واقدامات مربوط به‌ده، توسط شورا پیاده میشود، که‌کلیه اهالی ده در انتخاب‌آن‌شرکت داشته‌اند. همکاری‌اتحادیه دهقانی، که معرف‌و تدوین کننده خواستهای دهقانـان است و مشارکت آگـاهـترین و فعالترین دهقانان رابااین شوراها تضمین میکند ودرعین حال بن‌آنها نظارت وبه آنها کمك همه‌جانبه مینماید، درعمل‌میتواند اهمیت زیادی برای زندگی دهقانان داشته باشد.

بسیج دهقانان زحمتکش وروستا نشینان دربرابر تهاجم دشمنان انقلاب وظیفه دیگر اتحادیه‌هاست. دشمنان انقلاب بصورتهای مختلف، گاه بسیار مودیانه وحیله‌گرانه، به‌خرابکاری می‌پردازند و گاه آشکـار و جنایتکارانه به‌قتل وآتش‌سوزی‌دست‌میزنند. دربرابر دسایس آنها اتحادیـه دهقانی، بمثابه تشکل صنفی، کمك فراوانی برای مقاومت وایستادگی دهقانان دربرابر یورش دشمنان انقلاب، ازجمله مستقیم امپریالیسم گرفته تا توطئه‌های رنگارنگ نیروهای وابسته به امپریالیسم وارباباں وعمال آنها، خواهد بود.

همانگونه‌که درگذشته‌اتحادیه‌های دهقانی بعنوان شکل موثر سازمانی نهضت‌دهقانی‌در نبرد علیه نظام ارباب ـ رعیتی برگی زرین به تاریخ جنبش دهقانی ایران افزود، امروز نیز وجود چنین سازمان صنفی‌برای حفاظت ازدستاوردهای انقلاب وپیشبرد اهداف آن، برای حمایت ازسیاستی منطبق باروح انقلاب ودرراستای منافع زحمتکشان ضروری است.

تشکل دهقانان دریك سازمان صنفی در خدمت تداوم انقلاب برای زندگی بهتر و جامعه‌ای پیشرفته‌تر است. خود دهقانان بـا پندگیری ازتجربیات گذشته وباالهام ازنبرد پدران خود ومنجمله از ۳۷ امین سالگـرد تاسیس اتحادیه‌های دهقانی، دراین راه باید گام بردارند.

دراین جبهه نیز انقلاب را تحکیم بخشیم وبه‌آن خدمت‌کنیم، تازندگی بهتر درروستای آبادتر واقتصاد شکوفاتر داشته باشیم.

اخبار دهقانی

طوماری از بندرگز

تصویر طومار دهقانان بندرگز

خرید محصول دهقانان یك مسئله بسیار حاد وفوری است. حدت‌مسئله، دهقانان اطراف بندرگز را واداشت تا طومار بلندی تهیه‌کنند، وبرروی قطعه پارچه‌ای مشکلات وخواستهای خـود را بنویسند و زیرآن را امضاکنند یا اثرانگشت بگذارند.

تصویراین‌طومار بلند(که پشت‌آنهم دارای اثرانگشت‌است) ومتن آنـرا چـاپ میکنیم. امیدواریـم هـرچه زودتـرمقامات مسئول تصمیم لازم را درباره نرخ عادلانه خریدگندم اعلام‌کنند و کاری نکنندکه بازهم واسطه‌ها و سلف‌خرهـا، گندم را حالا بـه نرخی‌کمی‌گرانتر ازقیمت فعلی‌اعلام شده بخرنـد وبعد از اعلام نرخ جدید، با قیمت بالاتر بـه دولت بفروشند و سود کلانـی به جیب بزنند.

هم‌اکنون ـ هرروز دیرشود بسیار زیانمند خواهد بـود ـ لازمست‌که فوراً نرخ جدید و عادلانه تصویب و اعلام شود، که فقط دراینصورت بسود دهقانان است لاغیر. دست واسطه‌ها نیز زمانـی کوتاه خواهد شد که خود دولت به نسبت عادلانه‌گندم بخـرد و کشاورزمستقیماً بدولت بفروشد. ازحالا باید دهقانان هرچه‌زودتر بدانندکه دولت با چه بهائی‌گندم را خواهد خرید.

متن طومار:

«شورای انقلاب اسلامی، ریاست جمهوری اسلامی، وزارت کشاورزی، اداره‌کل‌کشاورزی‌گرگان وگنبد، فرمانداری‌شهرستان گرگان، آقای منوچهرملکی‌نماینده مجلس‌شورای اسلامی، بخشدار بندرگز، جراید.

احتراماً ایـن‌جانبان‌کشاورزان‌گندم کارمنطقه بندرگز در سال جاری به ندای امام خمینی‌مبنی بـرتوسعه‌کشت‌گنـدم لبیك گفته وبا توجه به شرایط وضرورت انقلاب شکوهمند ایران، کـه احتیاج مبرم وحیاتی بمواد غذایی وخودکفایـی دارد، ۰/۸۵ از زمینهای خود را با بذرکیلویی۲۵ ریال با نرخ دولتی و۳۰ریال با نرخ‌آزاد، خریداری وکشت‌گندم نموده‌ایم.

اینك‌که فصل برداشت محصول است، سازمانهـای دولتی مسئول، خرید نرخ‌گندم راکیلویی۱۸ ریال اعـلام‌کرده‌اند. مسلم است با چنین‌نرخ، با درنظرگرفتن زمینه تولید، عوایدی‌برای ما کشاورزان حاصل‌نمی‌شود و ادامه‌کشت‌گندم را غیرممکن میسازد. حمایت ازماکشاورزان‌گندم‌کار وتثبیت قیمت حساب شده وعادلـه ازطرف دولت میتواندکشور را به سرحد خودکفایی وبـی‌نیاز از خریدگندم خارجی بنماید ومارا هم ازفقر وتنگدستی نجات دهد. در دوران طاغوت، دولت طاغوتی‌آماده بود گندم را کیلوئی ۵۰ ریال ازخارج واردکند، ولی‌حاضرنبودگندم‌کشوررا با نرخ عادله خریداری وکشاورزان را از زندگی فلاکت بارنجات دهد. اینك ماکشاورزان ازحکومت انقلاب اسلامی انتظار واستدعا داریم‌کـه گندم را با نرخ عادله‌کیلویی ۳۵ریال تثبیت تا بتوانیم بـه‌کشت گندم ادامه واز زندگی‌مشقت‌بار رهایی‌یابیم ـ بـا تقدیم احترام ـ کشاورزان منطقه بندرگز ـ شهرستان گرگان».

گذری به روستا

شولم در انتظار آینده

در مسیر دیـدارمـان از روستاهای فومـن بـه شولم می‌رسیم. دیری نمی‌گذردکه شولم تصویر خودرا به‌ماارائه میدهد: روستایی‌درفقروامید.

روستای شولم در فاصله ۱۶ کیلومتری فومن واقع شده است. دراین ده بیش از ۳۰۰ خانوار درمحوطه وسیعی بطور پراکنـده زندگی میکنند. کار اصلی مردم این ده شالیکاری است. گروهی هم به دامداری مشغولند. دراین فصل دهقانان دامهای خودراجمع میکنند. وبوسیله چوپان به ییلاق می‌فرستند.

اراضی‌شولم‌بوسیله‌رودخانه‌ای، که اهل محل به‌آن «گازروبار» میگویند، مشروب میشود. این رودخانه ازوسط ده میگذرد و قسمت بالای ده نمیتواند از آب رودخانه بهـره گیرد. زمینهای بـالای رودخانـه وسیله نهرهای کوچکی، که اهالی به‌آن «دره» میگویند، مشروب میشود. چه رودخانه وچه این نهرهای‌کوچك درفصل تابستان، یعنی زمانی که کشاورزان به‌آب نیازدارند، اغلب خشك میشود. بهمین دلیل‌دهقانان همیشه دروحشت سوخت مزارع خود بسر میبرند ودرانتظار باران چشم به‌آسمان میدوزند. ازآنجا که این روستا درمنطقه کوهستانی واقع است، بازدهی محصول آن نسبت به جلگه بسیار کم است. دراین ده کمترکسی بیشتر ازدو هکتارزمین مزروعی دارد.

این ده بیش از ۳۰ خانوار خوش‌نشین دارد، که با سختی غیرقابل وصفی زندگی میکنند. برای نمونه «رحمت» را مثـال می‌زنیم. اویکی از خوش‌نشینان این روستاست، که دارای زن‌و چهار فرزند است. رحمت‌امسال باکشت زمین یکی از کشاورزان، ۲۰هزارریال درآمد خواهدداشت. همسر وی هم‌به «کرجی کاری» رفته است وازاین بابت دوهزار ریال پیش‌پول دریافت میکند و هنگام برداشت محصول۱۶قوطی برنج نیز دریافت خواهد کرد. این کل درآمد این خانواده طی یکسال است. مرد خانواده روزها جهت فراهم آوردن هیزم بجنگل میرود. زن وی‌هم پس از اتمام شالیکاری به‌کارهای خانه‌میرسد.

زینب وشوهرش یکی دیگر از خوش نشینان ده هستند. با زینب به‌گفتگو می‌نشینیم.

باچهره‌ای گل‌گرفته وچشمانی گریان نگران آینده شوهر و سه فرزند خود است. **نازآقا**، شوهرش، امسال نتوانسته بـه مزدوری برود، چون مریض است واسیر بیمارستانها. امروز یکی ازاهالی ده اورا جهت مداوا به شهر برده بود. زینب نیز چـون سزاوار دیده، امسال نتوانسته به«کرجی کاری» برود. زندگیشان چگونه خواهد گذشت، خود نیز نمیداند.

یکی دیگر از خوش نشینان می‌گفت:

«ازطرف جهاد سازندگی یك سری زمین بمانشان داده اند و گفته‌اند بروید واین زمینها را آباد کنید. می‌گوییم مانه وسیله داریم ونه پول‌که بتوانیم ایـن زمینهارا آباد کنیم. چون اگـر بخواهیم وقت خودراصرف آبادی این زمینها بکنیم، طی این کار درآمد دیگری که نداریم. پس از کجا بیاوریم تا شکم زن و فرزندان خودرا سیر کنیم؟گرفتیم بعداز یکسال کوشش و تلاش پیگیـر تـوانستیم زمیـن را آباد کنیم مسئله آب را چگونه حل‌کنیم؟ رودخانه همین زمینهارا نمی‌تواند مشروب کند، چه رسد زمینهائی هم‌به‌آن اضافه شود.»

دراین روستا شورای ده‌تشکیل شده است، ولی‌بنابگفته اهالی، ازآنجاکه این شورای موجـود پایگاه توده‌ای ندارد عملاتوانسته هیچ کاری انجام بدهد. جهـاد سازندگی، باهمیاری اهالی، از تابستان گذشته آغاز به‌تاسیس یك مدرسه راهنمائی تحصیلـی کرد، که ساختمان‌آن هنوز در دست اقدام است. ایـن روستا دارای‌یك مدرسه‌ابتدائی ۵کلاسه است. دانش آموزان زیادی هم دارد، که دردبیرستانهای فومن درس میخوانند. ولی رفتن بشهر بدلیل خرابی راه ونبودن وسیله، بخصوص درفصل زمستان، بسیار دشوار است. ده مثل بعضی از دهات فومن دارای یکباب حمام است، که وسیله عمران‌روستائی دررژیم طاغوت ساخته شده، ولی اهالی تاکنون نتوانسته‌اند آنرا مورد بهره‌برداری قراردهند، چون قابل استفاده نیست.

درروستای شولم یك خانـه بهداشت وجود دارد، که فاقـد پزشك است. این خانه بهداشت دوکارمند محلی دارد، که ایندو بدلیل اینکه داروخانه فاقدوسائل داروئی است، بیکارند، و فقط ماهانه مبلغی از بیت‌المال مـردم دریافت میدارند.

دراین ده ازوسایل ابتدائی چون کاووخیش جهت کشت‌استفاده میشود.

شولم نمونه‌ای است ازصدها روستای فقرزده گیلان. دولت انقلاب باید ومیتواند مسائل آنها راحل‌کند. جهاد سازندگی بـا امکانات کم، نقش مثبت خودرا ایـفا میکند، ولی باید ومتائـل ضروری وکافی‌دراختیار کشاورزان قرارداد. باید آینده‌ای ساخت‌که درآن واژه «خوش نشین» دیگر هرگز جائی درآن نیابد و همه از فردای خویش مطمئن باشند.

روستائیان زحمتکش‌این‌آینده رابی‌تابانه انتظار میکشند.

دهقانان کم زمین وبی زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود وباتکیه به‌پاسداران متعهدوافراددلسوزجهادسازندگی، به‌مسئولان دولتی کمك کنید، تاقانون اصلاحات ارضی سریعاًوبسودشمااجراشود

www.iran-archive.com

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

به‌مناسبت روز همبستگی با مردم اروگوئه (۶ تیر)

خلق اروگوئه برای آزادی می‌رزمد

چندی پیش، روزنامه «نویس دوپچلند»، ارگان کمیته مرکزی «حزب سوسیالیست متحد آلمان»، متن مصاحبه‌ای را با آلبرتو سوآرز، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اروگوئه، منتشر کرد. رفیق آلبرتو سوآرز، که همچنین نمایندگی کمونیست های اروگوئه را در «کمیته هماهنگی جبههٔ وسیع (فرنته آمپلیو) درخارج از کشور» بعهده دارد، دراین مصاحبه به تشریح بنیادی‌ترین مسائل جامعه اروگوئه ومبارزه قهرمانانه خلق اروگوئه علیه رژیم دیکتاتوری پرداخت.

آلبرتو سوآرز گفت:

«رژیم نظامی اروگوئه، که با برخی ترمیمات از سال ۱۹۷۳ تاکنون زمام امور را بدست دارد، امروزه نه‌تنها درداخل کشور، بلکه «چنین‌درخارج بکلی‌منزوی شده است. کشور همچنان دچار بحران است. بحران اقتصادی همواره ادامه دارد. سهم‌ترازنامه، رژیم دیکتاتوری نتوانسته است حزب کمونیست، سندیکای C.N.T «فرنته آمپلیو» ودیگر نیروهای دمکراتیک مخالف را درهم شکند. برعکس، به‌جرأت میتوانم بگویم که رژیم کنونی از پشتیبانی هیچیک ازاحزاب وسازمانهای سیاسی، حتی حزب سنتی بورژوایی مانند «حزب ملی» وگروهکهای متشکل در «حزب کلرادو» نیز، بهره‌مند نیست.»

نماینده حزب کمونیست اروگوئه تأکید کرد باافزایش ایستادگی همه‌جانبه خلق دربرابر حکومت دیکتاتوری و گسترش همبستگی بین‌المللی، مرحله‌ای نو در پیکار ضداستبدادی مردم اروگوئه آغاز میشود. دراین گسترش، دگرگونیهای سیاسی آمریکای لاتین وتأثیر آنها بر اروگوئه، ازاهمیت ویژه برخوردار بوده است.

آلبرتو سوآرز دراین زمینه، ازسرنگونی سوموزا درنیکاراگوئه، برکناری روه‌رو در السالوادور و سقوط بانزر درپولیوی نام برد. وی همچنین به‌گرایش‌های جدید در برزیل، پیروزی مردم پاناما علیه امپریالیسم ایالات متحده وامواج مترقی درد‌یای کارائیب اشاره کرد.

آلبرتو سوآرز افزود:

«برای میهن دوستان اروگوئه مهم‌آنست که تاچه حد می‌توان همه مخالفان را، در جبهه ای گسترده‌تر از «فرنته آمپلیو»، متحد ساخت.»

وی دراین زمینه از پیامی نام برد، که کمیته هماهنگی «فرنته آمپلیو» خارج از کشور» درفوریه گذشته دربارسلونا به مردم اروگوئه فرستاد و آنها را فراخواند تابرای استقرار حقوق و آزادیهای دمکراتیک دریک جبهه بزرگ ملی متشکل شوند.

هدف این جبهه عبارت خواهد بود از:

۱ـ عفو عمومی همه زندانیان سیاسی،

۲ـ استقرار همه حقوق‌وآزادیهای دمکراتیک،

۳ـ انتخاب مجلس مؤسسان از سوی همه قشرهای خلق،

۴ ـ کوشش مشترک برای بیرون‌رفت از بحران اقتصادی کنونی.

بگفته آلبرتو سوآرز، هدف‌های نامبرده می‌تواند برنامه حداقل برای همه مخالفان رژیم دیکتاتوری باشد.

کمیته هماهنگی «فرنته آمپلیو» درخارج‌ازکشور که درسال ۱۹۷۷، بنیانگذاری شد، اینک حزب سوسیالیست، حزب کمونیست، دمکراتهای مسیحی، برخی از سازمان‌های چپ و پاره‌ای از شخصیتهای برجسته زندگی‌اجتماعی رادربر میگیرد. (یادآور میشویم که، شماره مهاجران اروگوئه‌ای اکنون نزدیک به۶۰۰۰۰۰است).

آلبرتو سوآرز، ضمن تصریح وسعت جنبش مقاومت علیه رژیم، به اعلامیه‌ای اشاره کرد که چندی پیش ۳۰۰تن از اعضای «حزب ملی»، ازجمله ۵ وزیر پیشین، منتشر ساختند ودر آن خواستار بازگشت اروگوئه به دمکراسی شدند.

آلبرتو سوآرز افزود:

«باتوجه به مقاومت همگانی، رژیم به مانورهای جدیدی دست می‌یازد. رژیم‌دیکتاتوری، ازجمله، میکوشد تابا نقشه باصطلاح «نهادسازی» مردم را بفریبد. بدین معنی‌که، بابرخی اصلاحات دستگاه اختناق، رژیم را نهاد بخشد. باید باچنین دسیسه‌ای به مقابله برخاست.»

آلبرتوسوآرز مراتب خرسندی خودرا از گسترش همبستگی‌بین‌المللی با پیکار خلق اروگوئه برضد رژیم خودکامه آن کشور ابراز داشت ودرپایان گفت:

«حزب من، حزب کمونیست اروگوئه روز ۲۱ سپتامبر امسال شصتمین سالگرد تاسیس خود را بزرگ خواهد داشت. این حزب، شش دهه است‌که درصف مقدم طبقه کارگر وخلق درراه منافع بلاواسطه وآتی‌زحمتکشان‌میرزمد. این پیکار درآینده نیز همچنان ادامه خواهد داشت.»

اروگوئه

اروگوئه کشور کوچکی است درآمریکای لاتین، با سه میلیون جمعیت، که درسالهای پیش ازکودتا، بنام سوئیس آمریکای لاتین معروف بود.

پس ازکودتای ۱۳۵۴ وشروع بحران اقتصادی دراین کشور، تعداد زندانیان سیاسی به‌سه‌هزارنفر بالغ شد (یعنی ازهر هزارنفر یک‌نفر زندانی سیاسی است)، پانزده هزارزن ومرد ازحقوق سیاسی واجتماعی محروم شدند و۲۰ درصداز شهروندان مجبور به مهاجرت گردیدند.

نظامیانی که اکنون دراین کشور به‌سرکارهستند، برای «تاوان» جلوه دادن این روشهای فاشیستی می‌خواهند قانون اساسی جدیدی را جایگزین قانون اساسی موجود کنند، تابه‌دیکتاتوری خونین‌این کشور چهره‌ای «انسانی‌تر» ببخشند. این کار درحقیقت بدست سیاستمداران آمریکائی انجام می‌گیرد.

بنابر قانون اساسی جدید، فعالیت احزاب سیاسی، که دارای «ریشه‌های بین‌المللی» هستند، ممنوع است. بعبارت دیگر از فعالیت حزب کمونیست، حزب سوسیال دمکرات وحزب دمکرات مسیحی جلوگیری میشود. اما دررابطه باحزب بلانکو وحزب کولورادو، احزاب می‌توانند، بشرطی‌که رهبران کنونی آنها برکنارشوند ورهبران‌جدیدی توسط خونتای نظامی انتخاب شود، فعالیت مجدد خودرا آغاز کنند.

این قانون اساسی جدید درماه فوریه امسال به رفراندوم گذاشته خواهد شد. باوجود احتیاطهای لازمی که ازطرف خونتای نظامی دراین رابطه انجام گرفته است، هنوز نگرانیهای زیادی درباره نتایج آراء وجود دارد. یکی ازافسران ارشد عضو خونتای نظامی، ژنرال مارگز، دراین رابطه چنین می‌گوید:

«اگرملت رای «آری» دهد، یعنی باماست. اگر رای «نه» دهد، یعنی مایل است‌که ماسیاست کنونی خودرا دنبال کنیم، واگررای ندهد، یعنی اینکه به سیاست علاقه‌ای ندارد!»

نیروهای دموکراتیک اروگوئه در سوم‌فروردین‌ماه سال جاری، مجمعی رابشرکت نمایندگان احزاب تشکیل دادند. مهم‌ترین هدف جبهه متحد این نیروهای دمکراتیک، در حال حاضر سرنگونی رژیم دیکتاتوری اروگوئه است.

دموکراتهای اروگوئه خواستار آزادی و عفو تمام زندانیان سیاسی وبازگشت بدون قیدوشرط تمام مهاجرین سیاسی هستند.

حزب کمونیست اروگوئه، که تاسه ماه دیگر شصتمین سالگرد تاسیس خودرا جشن می‌گیرد، طی اطلاعیه‌ای از تمام نیروهای دموکرات درجهان برای پشتیبانی از مبارزه مردم اروگوئه تقاضای همبستگی کرده است ومانند دیگر نیروهای دموکراتیک اروگوئه خواستار آزادی زندانیان سیاسی بویژه افراد زیر است:

ژنرال لیبر سرگنی: صدر «جبهه وسیع اروگوئه»، خوائیم بیرس: عضو حزب کمونیست اروگوئه، خوزه لوئیز مامیرا: عضو حزب کمونیست اروگوئه، ژرارد دگواتسرا: عضو حزب کمونیست اروگوئه، ولادیمیر توریانسکی: عضو حزب کمونیست اروگوئه، روزاریوپیترارورپا: عضو حزب کمونیست اروگوئه، لئون‌رلو: عضوحزب کمونیست اروگوئه، ژرژ مازارویچ: عضو حزب کمونیست اروگوئه، ریتا ایبر بورو: عضو حزب کمونیست اروگوئه، اسلوا برازلی: عضو حزب کمونیست اروگوئه، «البرتو الثور: عضو حزب کمونیست اروگوئه.

حقایقی درباره افغانستان (اسناد، واقعیات وشواهد) (۸)

همکاری امریکا، چین و پاکستان علیه افغانستان

وزیر کشورجمهوری دمکراتیک افغانستان درژانویه ۱۹۸۰، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

یک ضرب‌المثل قدیمی افغانی میگوید: «به دروغگو که رویدهی، ازشغال عقاب میسازد».

وقتی انسان لاطائلات روزنامه چینی «ژن‌مین ژیبائو» رادرباره اوضاع افغانستان میخواند، بی‌اختیار بیاد این ضرب‌المثل می‌افتد. این بلندگوی تبلیغات پکن، که در اختراع دروغهای شاخدار یدطولا دارد، میکوشد که اعمال جنایتکارانه دسته های راهزن تروریست وضدانقلابی را، که از خارج به جمهوری دمکراتیک افغانستان فرستاده میشوند وپکن خود درآماده کردن آنها شرکت مستقیم وفعال دارد، «جنبش خلق» جلوه دهد.

پکن ازهمان آغاز انقلاب ثور به دشمنی با افغانستان انقلابی و مردم آن برخاست و تاکنون نیزبه‌این دشمنی ادامه میدهد. تهدیدهای آشکار علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، که هنگام بازدید براون، وزیر دفاع ایالات متحده امریکا، ازچین انجام گرفت ومسافرت توام‌باتحرک وتحریک‌آشکار هوان‌هوآ، وزیر خارجه چین به پاکستان ـ کشوری که سرزمین‌آن اکنون به‌بزرگترین پایگاه امپریالیسم وارتجاع برای تهاجمات راهزنانه به جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل شده ـ گواه برآنست‌که برتری‌جویان چینی مصمم درآینده نیزبه‌اعمال خصمانه خود علیه افغانستان ادامه دهند.

برکسی پوشیده نیست که نیرو های امپریالیستی وهمدستان چینی آنها از همان نخستین روزهای پس‌ازانقلاب ثور به«جنگ اعلام‌نشده‌ای» علیه کشور مستقل افغانستان پرداختند. برای این جنگ اعلام نشده علیه افغانستان، بیش از ۵۰ مرکز تعلیماتی وحداقل ۲۰ پایگاه ویژه درخاک پاکستان تشکیل شده است، که درآنجا «مستشاران» چینی وآمریکائی گروههای ضدانقلابی را جمع‌آوری میکنند وتعلیم میدهند. طبق اطلاعاتی‌که دردست است، درخود چین نیز درحدود ۴۰هزارتن ازافراد شورشی‌تعلیمات نظامی‌میبینند. این گروهها برای اعزام مخفیانه به‌خاک جمهوری دمکراتیک افغانستان آماده میشوند ودرآنجا باتمام وسایل و شیوه‌های ممکن، ازجمله خرابکاری، قتل‌و ترور، به دستاوردهای انقلاب ثور زیان میرسانند. چه گستاخی ووقاحتی میخواهد که انسان این مزدوران ضد انقلاب را «چریکهای افغانی» بنامد. و «ژن‌مین‌ژیبائو» بدون ذره‌ای دغدغه وجدان چنین میکند!

پکن به‌پیروی‌ازمشی‌عظمت طلبانه میلیتاریستی و تهدید «زس عبرت دادن» به تمام کسانی‌که مایل نیستند سیاست خودرا طبق نسخه‌های خاقان‌های معاصرچینی تنظیم کنند، دعاوی ارضی بی‌بندوبار علیه همسایگان‌مطرح میسازد. انقلاب افغانستان نیز دراین میان مستثنی نمانده است. مدتهاست که رهبران چین به‌بدخشان، یکی ازمناطق کوهستانی افغانستان، که باچین مرز مشترک دارد، چشم طمع دوخته‌اند.

طول مرز افغانستان باچین نقط هفتاد کیلومتر است، امایکن و سران نظامی و سازمانهای جاسوسی چین، هر کیلومتر آنرا به پایگاهی برای تجاوز مسلحانه به‌کشور مستقل جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل کرده‌اند.

روزی نمیگذردکه دسته‌های راهزن از خاک چین به‌بدخشان فرستاده نشوند. ضمنا «مستشاران» چینی نیزهمراه «دسته‌بروردگان» خود درهجوم بخاک افغانستان شرکت منظم دارند.

این راهزنان از هیچ عمل وحشیانه و از هیچ سفاکی وجنایتی فروگذار نمی‌کنند. روستاهارا به‌آتش می‌کشند، بیمارستانها و مدارس را منفجر میکنند، اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان را وحشیانه بقتل میرسانند، افرادرا زنده درگور می‌کنند و کودکان دبستانی راتیرباران می‌کنند. آیا «ژن‌مین‌ژیبائو» به همین «قهرمانی های» راهزنان و «مربیان» چینی است‌که میبالد؟!

دستگاه تبلیغاتی پکن مدعی است که درافغانستان یک «جنبش فراگیر ضددولتی» پدید می‌آید. اماآگر هیچکس نداند، پکن خوب میداندکه این خود مردم افغانستان هستندکه درتارومار گروههای راهزنی که «مستشاران» چینی وآمریکایی آنها را گرد آورده‌اند، بانیروهای ارتش وشهربانی، از دل و جان همکاری میکنند. گزارش‌های عملیاتی وزارت کشور جمهوری دمکراتیک افغانستان حاوی اخبار روزافزونی است دایر براینکه چگونه اهالی مناطق مختلف کشور، خودشان راهزنان راسرکوب می‌کنند وپس ازخلع‌سلاح، به کمیته‌های حزبی یامقامات امنیتی کشور تحویل میدهند. همین پشتیبانی مردم است‌که امکان قلع‌وقمع بموقع گروه های شورشی وراهزنان رابمامیدهد.

سخن کوتاه، از هرسو که باوضاع‌افغانستان بنگریم، می‌بینیم‌که سروته سخنان مفتریان «ژن‌مین‌ژیبائو» با هم نمی‌خوانند. دروغهای تحریک آمیز آنها دربار «چریکهای افغانی» تلاش کینه توزانه‌ای است برای‌بدنام‌کردن افغانستان و در عین‌حال انحراف افکار عمومی جهان ازاعمال تجاوزکارانه خود آنها، که‌به قصد دخالت بی‌پرده و آشکار درامور داخلی افغانستان وتلاش به استقلال وحاکمیت‌ملی آن صورت میگیرد.

مردم افغانستان بهانگاه کمکهای اتحاد شوروی، دوست وفادار و قابل اعتماد خود، عزم راسخ دارندکه دستاوردهای انقلاب خویش را حفظ کنند ودرگسترش و ژرف‌سازی بیش ازپیش آن بکوشند. نه‌هجوسهای گروههای راهزن ضدانقلابی ونه اتهامات رذیلانه وکینه‌توزانه دروغپردازان غربی و چینی، قادر نیست دراین عزم راسخ خللی وارد سازد.»

* * *

روزنامه هندی «ایندیان اکسپرس» در شماره ۱۵ دسامبر سال ۱۹۷۹ خودمینویسد:

«محافل حاکمه چین مائوئیستی وپاکستان پشت ضدانقلاب افغانستان قرار دارند. مدتها است‌که دیگربرای هیچکس شکی نمانده است که پایگاه ضدانقلابیون افغانی در اردوگاههای داخل کشور پاکستان واقع است. افسران ارتش پاکستان وچین، این تیرکاران و خرابکاران را گرد آورده‌اند و تعلیم میدهند.»

* * *

روزنامه هندی «تایمز اف ایندیا»، در ۴ ژانویه ۱۹۸۰، چنین نوشته است:

«طبق اخبار واصله، چین ازطریق‌پاکستان به شورشیانی‌که در خاک افغانستان میجنگند، جنگ‌افزار و اسلحه سبک از قبیل تفنگ خودکار، نارنجک و موشک ضدهوایی تحویل میدهد. بدین منظور هواپیماهای باری چینی منظم به پاکستان پرواز میکنند.»

* * *

روزنامه انگلیسی «دیلی تلگراف»، در شماره ۵ ژانویه سال جاری نوشت:

«چین مقادیر زیادی اسلحه وسهمات به ضدانقلابیون افغانی تحویل میدهد. این‌اسلحه وسهمات راچین عمدتا ازمرز دوکشور و همچنین ازطریق جاده شوسه قره‌قوروم که از پاکستان میگذرد، ارسال‌میدارد. دیپلمات های کشورهای آسیایی برآنندکه پشتیبانی چین‌ها ازضدانقلابیون افغانی روزبروز توسعه وافزایش می‌یابد ودراین اواخر دهها تن ازمربیان چینی وارد اردوگاههای ضد ـ انقلابیون افغانی شده‌اند.»

* * *

روزنامه «تریبون» هندوستان) در ۱۸ ژانویه سال ۱۹۸۰ چنین نوشت:

«چینیها درشهرستانهای شمالی افغانستان، یعنی بدخشان وباغلان بفعالیت مشغولند. گروهی ازعمال چینی در ناحیه کوهستانی واهان به‌داخل خاک افغانستان‌رخنه کرده‌اند.»

* * *

روزنامه «گرانما» (کوبا) در ۲۱ ژانویه ۱۹۸۰ شرحی بدین مضمون انتشار داد:

«واحدهایی ازنیروهای مسلح افغانستان به منطقه هم‌مرز چین اعزام شده‌اند تادربرابر تجاوز آشکار علیه افغانستان، ازمیهن‌خود دفاع کنند. هفته هاست‌که درنواحی مرزی چین نقل‌وانتقالات مشکوک سربازان وتشدید فعالیتهای ضدانقلابی دراین بخش کوهستانی وتقریبا غیرمسکون، مشاهده میشود. ناظران محلی درکابل امکان تجاوز به افغانستان را دردوجبهه یادآور میشوند وبرآنندکه این تجاوز ممکن‌است درمناطق پاکتیا، قندهار و کونار، که درنزدیکی مرز پاکستان واقع است، آغاز گردد. مستشاران آمریکایی و انگلیسی وچینی به تعلیم تعدادی بیش از ۷۰ هزارنفر برای عملیات علیه افغانستان پرداخته‌اند.»

* * *

«الصفیر» (لبنان) در۲۲ ژانویه ۱۹۸۰ می‌نویسد:

«دخالت نظامی آشکار چین‌در امور داخلی افغانستان موجب وخامت اوضاع‌در تمامی این منطقه‌میشود. این‌مداخلات بی‌پروا نمایانگر سرشت تجاوزکار مشی سیاسی چین است که میکوشد افغانستان رابه کامبوجیای‌ثانی تبدیل کند. پکن تمام وکمال به امریکای جهانخوار پیوسته است واکنون در صف واحد نیروهای ارتجاعی وتجاوزکار، علیه سوسیالیسم ودمکراسی گام برمیدارد. چین باموافقت امریکا اسلحه وابزار جنگی به آشوبگران افغانی تحویل میدهدوکارشناسان ومستشاران خودرابه نزد آنها گسیل‌میدارد. بدین‌سان رهبری پکن ادعاهای خودرا دایر بر به‌اصطلاح عدم‌مداخله در امور کشورهای دیگر بکلی زیرپا گذارده وخاق افغان را آماج تجاوز مستقیم خود قرارداده است.»

نمایشگاه بمناسبت سالروز ۱۵ خرداد درگنبد

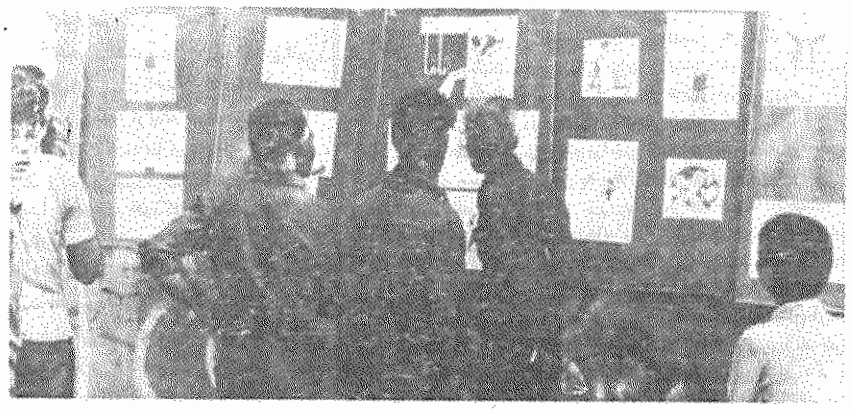

به‌مناسبت بزرگداشت‌سالروز ۱۵خرداد ازطرف حزب‌توده ایران ـ سازمان‌ترکمن‌صحرا نمایشگاهی ضدامپریالیستی درشهرگنبدکاووس برگزارشد. این‌نمایشگاه‌که مدت۴روز ادامه‌داشت، بااستقبال پرشور تماشاچیان روبروگردید.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسنادحزبی(اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در نامه«مردم»ارگان‌مرکزی حزب توده ایران‌را، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

www.iran-archive.com

بحران آتلانتیسم

در اردوگاه امپریالیستی تضادهای سیاسی و اقتصادی تشدید میشود

نظری به حوادث امروزی جهان

اقیانوس اطلس را درزبانهای اروپایی «آتلانتیك» می‌نامند. آتلانتیسم (یا اطلس گرایی) یك‌مقوله سیاسی است ، که پس از جنگ دوم جهانی باب شده و معنایش حفظ اتحاد نظامی‌وسیاسی کشورهای دوسوی‌اقیانوس اطلس ، یعنی اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا و کاناداست.

البته مفهوم اتحاد امپریالیستی ، در زیر رهبری امپریالیسم آمریکا، از «اتحاد اطلسی» وسیع‌تر است، زیرا ژاپن و یك سلسله کشورهای دیگر سرمایه‌داری جهانی نیز در آن شرکت دارند. اما تردید نیست که «اتحاد اطلسی» محور اساسی و مرکزی اتحاد امپریالیستی است. گاه ژاپن را بعنوان «غرب‌دور» بجای «شرق‌دور» اصلا جزء ممالك غربی حساب می‌کنند.

روح این‌اتحاد آنست که‌چون ایالات‌متحده امریکا در دو جنگ جهانی وپس از آن گویا نقش رهاگر را از جهت جنگی و اقتصادی‌برای سرمایه‌داری اروپایی ایفا کرده (و حال آنکه در واقع منافع‌خودراحفظ‌میکرده) لذا دولتهای اروپای غربی باید «رهبری» ایالات متحده آمریکا را بپذیرند و درمقابله با «خطرکمونیسم» ودرتنظیم‌تاکتیك‌واستراتژی‌بین‌المللی‌ودرمسائل مالی و بازار و مواد اولیه و تنظیم سیاست در «جهان سوم» بدنبال او باشند.

ولی مارکسیست‌ها بلافاصله پس ازدوران جنگ دوم جهانی متذکر شدند که «اتحاد اطلسی» فقط تا زمانی میتواند بصورت یك اتحاد اثربخش در جهان وجود داشته باشدکه، اولا کشورهای اروپای غربی و ژاپن برای‌احیاء اقتصاد جنگ‌زده خود به کمك دلاری وفنی آمریکا نیازمند باشند. ثانیا منافع این کشورهادر زمینه بازار، مواد اولیه، با منافع ایالات‌متحده وارد تناقض نشود، والا این اتحاد دوام نخواهد آورد.

مارکسیست‌ها در همان ایام تشکیل «پیمان اطلس یا آتلانتیك» (۱۹۴۹)، و پس از آن، یادآور شدند که «بدمستی» و «لاف و گزاف» ناشی از این پیمان نمیتواند در تاریخ طولانی باشد و آنروز در خواهد رسید که‌بویژه کشورهای آلمان غربی و ژاپن ، با تبدیل خود به قدرت، از سیاست اطاعت آمیز امروزی خود به‌واشنگتن ، دست بردارند وروشی‌مستقل‌تر اتخاذ کنند.

ایالات متحده آمریکا بزرگترین مساعی را برای تحکیم اتحاد آتلانتیك بکار برده و میبرد. حتی جان‌فوستردالس ، که دوران او هنوز دوران اوج قدرت سیاسی ، نظامی و اقتصادی آمریکاو سیطره جهانی این کشور بود، از دورنمای «اتحاد اطلسی» نگران بود و می‌گفت که «مسئله اتحادها» بغرنج‌ترین مسئله در سیاست خارجی آمریکاست ، که اگر امریکا موفق شود آنرا بسود حفظ رهبری خود حل کند، میتواند فراغت خاطر داشته باشد.

در واقع بزودی «گلیسم» درفرانسه شروع شد. این واژه از نام ژنرال شارل دوگل مشتق شده است. ژنرال دوگل در دوران جنگ دوم جهانی ، مقاومت ملی فرانسویها را علیه اشغالگران فاشیست آلمان رهبری میکرد و از این جهت نام ونشانی یافت و مایه امید برای بخش مهمی از بورژوازی فرانسه شمرده میشد. دوگل درایام ریاست جمهوری خود، در مقابل تحمیل اقتصادی ، سیاسی و نظامی آمریکا راه مقاومت در پیش گرفت ، تا منافع بورژوازی امپریالیستی‌فرانسه رادرکشورهای «جهان‌سوم» و دیگر نقاط جهان از شر رقابت خردکننده آمریکا برهاند . پس از دوگل، ژرژپمپیدو و ژیسکاردستن ، روسای جمهور فرانسه، هر یك به‌سبك خود «گلیسم» را ادامه داده‌اند.

مطلب به فرانسه‌محدود نماند. آلمان غربی و ژاپن و ایتالیا و حتی «پسرعموی» آمریکا، انگلستان نیز، بناگزیر وارد تناقضاتی با آمریکا شدند . این منطق حوادث‌عینی است و به‌خواست و نخواست احدی مربوط نیست.

در حال حاضر این تناقضات در مسائل مربوط به‌افغانستان وایران ، تحریم المپیك ، محاصره اقتصادی کشور ما، مداخله نظامی طبس ، تمرکز نیروی نظامی در اقیانوس هند و دریای عمان ، بحران خاورمیانه و غیره‌بروز کرده است.

کوشش دولت کارتر و معاون امنیتی‌اش برژینسکی برای واداشتن اروپای غربی به اطاعت کامل از تحمیلات سیاست آمریکا ، بیش از پیش با مقاومت متحدان اروپای غربی و ژاپنی روبرو میشود. البته باید توجه داشت که متحدان آمریکا تحت اشغال نظامی اوهستند. امریکا دهها میلیارد دلار در این کشورها سرمایه‌گذاری کرده وآنهارا به بازارهای داخلی خود وابسته ساخته است. امریکا با تازیانه دلار و نوساناتی که در آن مصنوعا ایجاد می‌کند، متحدان خودرا می‌کوبد و ادب می‌کند . در واقع نیز این کشورها بدون آمریکا قادر نیستند برای حفظ منافع طبقاتی بورژوازی ، که همه نماینده آن هستند، روند نیرومند انقلابی جهان امروز را (که در آخرین تحلیل علیه نظام سرمایه‌داری است) مهارکنند. لذا سیاست خارجی آمریکا قادر است‌این «کودکان‌شیطان» را بجای خود بنشاند. ولی مسئله اینجاست که اجراء وظیفه «ادب کردن» دمبدم دشوارتر میشود ، زیرا قدرت اقتصادی متحدان آمریکا اکنون ازهمیشه‌درتاریخ بیشتر است. درجه وابستگی خود امریکا نیز به متحدانش کم‌نیست. بعلاوه این متحدان با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای «جهان سوم»، آنچنان روابط پیچیده‌ای دارند، که قادر نیستند صاف و ساده خود را در اختیار تحمیلات واشنگتن قراردهند مثلا اکنون ۱۰ درصد اشتغال در آلمان فدرال به‌روابط اقتصادی این کشور با کشورهای سوسیالیستی وابسته است از آن گذشته یك‌جنگ جهانی امروزی ، کوچکترین دورنمای امید بخشی برای این کشورها ندارد. لذا این دولتها «سبك سنگین» میکنند و برای قبول یا عدم‌قبول تحمیلات آمریکا اکنون دیگر «سیاست‌گزینش» را در پیش گرفته‌اند : چه چیز را بپذیرند ، چه‌چیز را نپذیرند. البته تاآنجا که بتوانند.

بعنوان مثال و برای مجسم کردن بحران آتلانتیسم ، روابط کنونی فرانسه و آمریکا میتواند وضع را بخوبی نشان دهد. ملاقات اخیر والری ژیسکاردستن، رئیس‌جمهورفرانسه، در ورشو، با لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی سخت مایه عصبانیت و گله واشنگتن شد. در مصاحبه جویس بارناتان ، مخبر مجله معروف آمریکایی «نیوزویك»، با ژان فرانسواپونسه، وزیر خارجه فرانسه (که در شماره ۱۸ ژوئن ۱۹۸۰ این مجله‌بچاپ‌رسید) نکات عمده‌اختلاف فرانسه و آمریکا منعکس شده است . در جلسه اخیر بازار مشترك در ونیز (که قبل از جلسه سران کشورهای غربی تشکیل شد) فرانسه از آن چنان‌نظریاتی برای‌حل‌مسئله‌اختلاف بین فلسطین‌رزمنده‌واسرائیل‌مهاجم سخن‌گفت، که موجب‌اعتراض نماینده‌کارترشد. معلوم‌شدکه بر اختلافات گذشته‌درمورد‌افغانستان‌وایران،اختلاف تازه‌ای درباره شیوه حل بحران خاورمیانه، افزوده می‌شود. جلسه سران کشورهای غربی‌در ونیز یك جلسه «نمایش وحدت» است، که نمایانگرتضادهای‌پس‌پرده‌نیست و همه‌کشورهای سرمایه‌داری آنرا در چارچوب «وجوه اشتراك» ضرور میدانند.

جویس بارناتان در مصاحبه‌ای که از آن سخن گفتیم، گله‌مندانه در خطاب به ژان فرانسواپونسه گفت:

«ایالات متحده آمریکا مکرر در مکرربه فرانسه از جنگ اول جهانی تاکنون کمك کرده است، ولی فرانسه زمانی که ایالات‌متحده معتقد است که به‌پشتیبانی محکم متحدان خودنیازمند است ، از سیاست آمریکا پشتیبانی نکرده‌است، آیا معنای این سخن این نیست که دیگر فرانسه تعهدی را در قبال آمریکا احساس نمی‌کند ؟ فرانسه دولت کارتر را مورد انتقاد قرار داده است که در مسائل کلیدی سیاست با متحدان خود مشورت نمی‌کند. با اینحال وقتی ادموند ماسکی ، وزیر خارجه آمریکا ، فرانسه راانتقاد کرد که نقشه‌هایی برای ملاقات با رئیس‌جمهور برژنف دارد، شماپاسخ دادید که فرانسه‌تعهدی برای اجراء چنین مشورتهایی ندارد. چگونه شما میتوانید از یك موضعی که اگر نگوئیم سالوسانه است، لااقل‌ناپی‌گیراست، دفاع‌کنید... چرا فرانسه دست به‌مجازات اقتصادی شوروی نزده است؟»

طبیعی است که ژان فرانسواپونسه به انتقادات مخبر نیوزویك پاسخ داد و از آنجمله درباره آخرین ایراد جویس‌بارناتان (راجع به‌مجازات اقتصادی شوروی) گفت :

«بازرگانی ما با شوروی یك بازرگانی متوازن است. برخلاف آمریکا که صادراتش به شوروی ، بیش از واردات او از این کشوراست. اگر ما دست به مجازاتهای اقتصادی بزنیم ، این مجازات علیه خود ما خواهد بودو به اتحاد شوروی زیان کمی میرساند. آیااین عاقلانه است ؟»

این مصاحبه ، چنانکه گفتیم ، برای‌نشان دادن بحران آتلانتیسم نمونه‌وار است . زیرا نظیر این جریان (البته با تغییرات مربوطه) بین آلمان غربی و آمریکا نیز وجود دارد. آلمان غربی برخلاف فرانسه، که‌به‌تحریم المپیك‌دست نزد ، المپیك را تحریم کرده، ولی معتقد بد ادامه سیاست تشنج‌زدایی است و بهمین جهت بزودی اشمیت و گنچر ، صدراعظم و وزیر خارجه آلمان فدرال ، به‌مسکو میروند.

مسئله تشنج زدایی مسئله مرکزی است.

ایالات متحده آمریکا اتفاقا خواستار برهم زدن روند تشنج‌زدایی است ، زیرا آنرا برای سیاست تحمیل و تحکم جهانی خود مضر میداند وبچشم خود می‌بیند که در سایه تشنج زدایی ، هم انقلابات رهایی‌بخش در جهان بسط یافته‌و هم پیوندهای اقتصادی جهانی توسعه گرفته و هم متحدانش به سوی اتخاذ روشهای مستقل‌تر کشیده‌میشوند.آمریکامیخواهد «روح‌هلسینکی» را دفن و تشنج جهانی را احیا کند، زیراتشنج و تسلیحات برای‌امپریالیسم‌امریکا نسخه‌نجات‌بخش تلقی می‌شود.

تصویب بودجه یك تریلیونی تسلیحاتی (۱۹۸۵ ـ ۱۹۸۰) در آمریکا ، گام اساسی‌در راه تجدید مسابقه تسلیحاتی ، احرازبرتری نظامی بسود آمریکا و ادامه سیاست سیطره‌جویانه است . هدف همه‌این اقدامات بازگشت به‌ایام خوش آتلانتیسم است . ولی ایالات‌متحده با نهایت اسف می‌بیند که‌این کار شدنی نیست. کوشش برژینسکی برای‌احاله«تقصیر» این‌وضع به‌گردن «تصورات نادرست» سایروس‌ونس و آوردن شخصی مانند ادموند ماسکی، که بااآئین «قدرت متعادل» (اختراع کارتر و برژینسکی) موافق است ، کوشش ثمربخشی نیست . علت ناکامی‌سیاست جهانخوارانه آمریکا ، درتصورات این وآن نیست ، وضع عینی جهان تغییر کرده است .

هنگامیکه در ۱۹۴۹ پیمان‌آتلانتیك شمالی تشکیل شد و «آتلانتیسم» تولد خود را با شور و هیجان اعلام‌کرد ، آمریکا قریب ۵۲ درصد تولید صنعتی جهان را در دست داشت. اکنون این رقم به ۲۳درصد رسیده است. افراد کوته‌بینی مانند کارتر و برژینسکی تصور میکنند که با تجدید یك جلسه باشکوه پیمان آتلانتیك (چنانکه سال پیش در واشنگتن انجام گرفت)، میتوانند فضای از جهت تاریخی مرده‌ای راآاحیاءکنند.درهمان جلسه بلند اجویت، رئیس جمهوری وقت ترکیه ، ضمن نطقی گفت که ترکیه به خطر شوروی علیه خود معتقد نیست‌و این دوش سردی بود برای آقایان کارتر و برژینسکی ، زیرا درست بنابه‌دعوی «خطر شوروی» ، جلسه پیمان آتلانتیك با آنهمه جاه و جلال در واشنگتن برپا شد. در ۱۹۴۹ متصور نبود که نماینده ترکیه چنین حرفی را بزند. در آنموقع امر «عموسام» بی‌بروبرگرد بود، ولی امروز جهان بکلی دگرگون شده است : وجود جامعه مقتدر کشورهای سوسیالیستی ، تعداد کثیر کشورهای ضدامپریالیستی مستقل، تشدید بی‌سابقه‌تناقضات‌بازارامپریالیستی ، رکود و تورم در اقتصاد جهان سرمایه‌داری ، وضع نوی را بوجود آورده است . انقلاباتی مانند انقلاب کشور ما، که‌خود زاده این وضع نواست، در آن اثرات عمیقی باقی می‌گذارد و آنرا بنوبه خود به‌جلو میراند.

امپریالیسم آمریکا میتواندهنوزتلاشهای متعدد بکند. این امپریالیسم کماکان نیرومند است . تفرعن و خودخواهی و واکنش‌گری عصبی او از حد و اندازه‌بیرون است. این امپریالیسم میتواند اینجا و آنجا ماجرا براه افکند. اینجا و آنجا به‌پیروزی موقت برسد ؛ اینجا و آنجا جنبشها را در خون غرق کند. «اخلاقیات» این امپریالیسم ، که ازگانگستریسم ومکاتب «مافیا» وسیاه‌کشی«کوکلوکس‌کلان» سرچشمه می‌گیرد، برهمه جهانیان روشن است و در ماجرای «سرهنگ‌بك‌ویث» در طبس تمام ماهیت اهریمنی خود را نشان داده است.

آری ، امپریالیسم آمریکا میتواند هنوزبه چنین عکس‌العمل‌های زشت و وحشیانه‌ای‌دست یازد. ولی عکس‌العمل جنون‌آمیز چیزی است و سیاست تاریخی و مدبرانه دورنماداد چیزدیگر.

آری، امپریالیسم آمریکا یك چیز رانمی‌تواند پدید آورد وآن‌احیاء ایام خوش آتلانتیسم است . این ایام‌برای ابد در دره گذشته غلطیده است . جهان بیدار، فعال و رزمنده امروزی، غیر از جهان سال ۱۹۴۹ است. اگر «دوران ملکه ویکتوریا» درامپراطوری بریتانیا برگشتنی است ، پس «دوران دالس» در سیطره‌جویی جهانی ایالات متحده آمریکا نیز بازگشتنی‌است.

عمال این‌امپریالیسم‌درکشورما، که درهمه‌جا رخنه کرده‌اند و هنوز پس از انقلاب نیروی معتبر ارتجاعی در جامعه ما هستند ، به قدرت ارباب ماوراء اقیانوس پربها میدهند. آنها باور نمی‌کنند که آفتاب بورژوازی انگلوساکسون در حال غروب است . آنها در وحشیگری و تفرعن ارباب شریکند، مانند همه نوکران رذلی که رذالت را در دبستان ارباب خود می‌آموزند. ولی آینده بمعنای وسیع این کلمه (نه‌بمعنای محدود آن) برای این افراد نیز در چنتای خود جز یاس چیزی ندارد. واکنش‌های یاس‌آمیز و خشمگین آنها تنها گورتاریخی‌شان را ژرفتر و فراخ‌تر می‌کند، تابی‌بازگشت در آن فرو غلطند. آنها قادرند بازهم اوباشانه به حرکاتی دست یازند، ولی قادر نیستند مسیر تاریخ را دگرگون کنند. آنها محکوم بزوالند و هراندازه هم که از شنیدن این خبر بد دیوانه‌شوند و با چنگ و دندان‌بجان‌خبردهنده‌بیافتند، هیچ‌چیز، مطلقا هیچ‌چیز ، سرنوشت محتوم و پر ازادبار آنهارا عوض نخواهد کرد.

بحران‌آتلانتیسم، یعنی‌تشدیدبی‌سابقه‌تضادهای درونی امپریالیسم ، همراه بحران اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری‌امپریالیستی در مجموع خود ، مبشر روزهای بهتری برای بشریت است. اینهم روشن است که‌این روزهای بهتر پیوسته به‌سختی شکل می‌گیرد و بادرد زائیده میشودوقربانی میدهد. مارکس میگوید:

«خداوندتکامل باده خود را درکاسه‌سر شهیدان می‌نوشد.»

نبرد ایدئولوژیك حزب کمونیست ایران

بقیه از صفحهٔ ۳

یکی‌دیگرازمسائل مهم‌موردبحث کنگره،مسئله ملی درایران‌بود. ایران کشوریست که درآن اقوام‌وخلقهای گوناگون زندگی میکنند. در مرامنامه سابق حزب (تزهای‌بنام حیدرخان‌درباره **«وضع‌اجتماعی، اقتصادی ایران و تاکتیك حزب کمونیست»**) باین مسئله مهم توجه لازم نشده بود .امروز هم که‌شصت سال ازتاسیس حزب کمونیست ایران می‌گذرد، هنوز برای خیلی از اندیشمندان و نیروهای‌اجتماعی و سیاسی کشور این مسئله بقدر کافی روشن نیست. کنگره حزب خواه در تزهای خود و خواه در برنامه حزب، که‌تصویب‌کرد ، خط مشی روشنی در این زمینه اتخاذ کرد. در تزهای کنگره گفته شده است:

«حزب کمونیست ایران باید مطالبات‌و شعارهای عمومی تمام احزاب کمونیستی‌دنیارا راجع به‌مسئله ملی، یعنی حق هرملت براستقلال کامل خود را جزء برنامه خود قرار دهد».

و در برنامه حزب حق تعیین مقدرات خلقهای ساکن ایران برای اولین‌باربصراحت ذکر گردید . حزب کمونیست‌ایران ازآن‌پس نیز همواره‌در فعالیت سازمانی و ایدئولوژیك خود، مخالفت بااعمال سیاست تبعیض و ستم‌ملی ، طرفداری قطعی ازاتحادداوطلبانه خلقهای ساکن کشور در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت‌ارضی ایران را بیان‌داشته‌است . در توضیح برنامه حزب درباره مسئله ملی، پس از نقل سخنان لنین (آنجا که میگوید : اگر ما آزادی جداشدن برای همه ملتهای مظلوم و نابرابر حقوق ، بدون‌استثناء طلب می‌کنیم، این بهیچوجه بدان جهت نیست که **ما هوادار جدا شدن‌آنها هستیم ، بلکه فقط بخاطر آنستکه** که ما طرفدار نزدیکی و پیوند آزاد و داوطلبانه آنها هستیم ، نه‌پیوند بزور) مجله ستاره سرخ اضافه میکند:

«آری، ما مخالف مرکزیت‌غیردمکراتیك ، مخالف مرکزیت به‌زور هستیم». (ستاره سرخ، شماره ۳ ـ ۴، خرداد ـ تیر ۱۳۰۸ ، صفحه ۴۴).

کنگره‌دوم‌برنامه‌حزب‌رانیزتحت‌عنوان «پروگرام عملیات حزب‌کمونیست ایران» وهمچنین نظامنامه‌حزب را تصویب کرد. در مقدمه این برنامه، در مسئله ارضی، محوکامل بقایای رژیم‌اربابـرعیتی (فئودالیسم) ودر مرحله اول الغای اصول بزرگ مالکی و تقسیم‌بلاعوض زمینهای دولتی (خالصه) وقف و مالکان بزرگ بین روستائیان در نظر گرفته شده است . در برنامه بویژه تصریح شده است:

«واگذار نمودن کلیه املاك دولتی و ملاکین بزرگ و موقوفات بلاعوض به‌دهاقین ، ضبط‌املاك شاه واشراف و خوانین و تقسیم آنها میان دهاقین».

برنامه مصوبه کنگره دوم، که مشتمل برمقدمه، بخش سیاسی، بخش اقتصادی، سیاست ارضی حزب ، بخش مربوط به‌قوانین راجع‌به‌کار، کارفرما و اتحادیه‌های کارگری ، بخش اجتماعی ، سیاست مالی حزب و بخش مربوط به‌تشکیل‌شرکتهای تعاونی است، درمجله ستاره‌سرخ، ارگان حزب بچاپ رسیده است نه‌تزها و نه‌برنامه حزب عاری از نارسائیها وبویژه دور از اشتباه همه‌گیرآن زمان ، یعنی چپ‌روی نیست. بااینحال،هردو سند برمبنای کلی تحلیل مارکسیستی تنظیم شده و از اسناد مهم جنبش رهائی بخش ملی ضد امپریالیستی‌مردم ایران است.

کنگره دوم از مبارزه درون حزبی نتیجه‌گیریهای سازمانی نیز بعمل آورد. جلیل‌زاده و عده‌ای دیگر را، که‌درانحرافات‌خودپافشاری‌میکردند و موجب‌دوگانگی در داخل حزب بودند، از صفوف حزب اخراج کرد. در کنگره کمیته مرکزی نوینی انتخاب شد : آخوندزاده،سلطانزاده،حسین‌شرقی،نیك‌بین، پیشه‌وری، سیفی و دیگران وارد کمیته مرکزی گردیدند.

نتیجه‌عمده کارکنگره‌دوم‌ایجادوحدت ایدئولوژیك و سازمانی در حزب بود. در نتیجه، کار سازمانی و تبلیغاتی حزب گسترش یافت. در کنفرانسهاو جلسات عمومی ، که با حضور نمایندگان کمیته مرکزی برگزار میگردید ، کمیته‌های ایالتی و ولایتی نوین انتخاب شدند . به‌نواحی فاقد سازمان حزبی نمایندگانی اعزام گردید . کار سازمانی با وجود شرایط ترور و تعقیب پلیس رونق گرفت . مجله ستاره سرخ درنخستین شماره خود متذکرشد که‌کمیته مرکزی حزب کمونیست‌ایران، با در نظر گرفتن آرزوی خیلی از سازمانهای حزبی، تصمیم گرفت که ارگان علنی حزب را چاپ و منتشر سازد ، تا اعضای جوان حزب بتوانند از نزدیك با نظریه و عمل مارکسیسم ـ لنینیسم آشنا شوند. (شماره ۱ـ۲، سال اول، ۱۳۰۸)

یکی‌ازجنبه‌های چشمگیر مجله ستاره سرخ ترویج اندیشه‌های نظری مارکسیسم ـ لنینیسم در ارتباط نزدیك با رویدادهای زندگی روزانه‌مردم‌ایران وجهان بود. ازاین نوع مقالات بویژه باید ازمقاله انتقادی پیرامون‌وضع «مطبوعات‌مزدوردرباری» (شماره۳ـ۴)، وظایف اساسی حزب‌کمونیست ایران در مبارزه در راه اتحاد کارگر و دهقان و ایجاد حکومت کارگری (شماره ۷ ـ ۸)،وظائف‌حزب درباره تجدید سازمان اتحادیه‌های کارگری و موسسات‌پرولتری (همانجا)، وظائف حزب در روستا (همانجا)، کار در ارتش (همانجا) ایجاد و نشر مطبوعات کارگری (همانجا) وبویژه مقاله‌مربوط به «اولین وظیفه اساسی حزب» ، یعنی «تبدیل آن به حزب توده‌ای پرولتری» (همانجا) را باید نامبرد. از مقالات روزنامه پیکار نیز (که در اجرای تصمیمات کنگره دوم شروع به‌انتشار کرده بود) بویژه‌باید از ضمیمه شماره‌یکم (۲۴ بهمن۱۳۰۹) ، مقاله‌انتقادی «خطر روس و جریده «ملی» ایران» (شماره۲)، «ایران و جنبش کارگری‌انگلیس» (شماره ۷)، «انقلاب ملی عبارت ازچیست و چرا ما طرفدار آن هستیم» (شماره ۸)، «ماچه می‌خواهیم» (شماره‌های ۸ و ۹ و ۱۰)رانامبرد. روزنامه پیکار (شماره ۹، مورخه ۲۳ تیر ۱۳۱۰) خبر جنایت مدهش رژیم رضاخان ، یعنی «خفه‌کردن مدرس» را منتشرکرده،سپس (شماره ۱۵ مورخه ۲۲مهر۱۳۱۰) در جواب سید حسن‌موسوی نامی (که‌درصدد تکذیب خبر وتبرئه حکومت‌رضا شاه بود) پرده از روی‌جنایات‌رژیم برمیدارد و ماهیت‌رژیم خونخوار را بیش از پیش افشا میکند.

www.iran-archive.com

احزاب برادر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران به حزب توده ایران شادباش میگویند

حزب کمونیست رومانی:

فعالیت حزب توده ایران در خدمت پیشبرد و دفاع از منافع اساسی زحمتکشان وخلق دولت ایران وتحقق آرمانهای آن برای دموکراسی، پیشرفت اجتماعی، شکوفائی، استقلال، صلح و تفاهم بین‌المللی قراردارد

پیام شادباش کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست رومانی به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

ازطرف حزب کمونیست رومانی ودبیرکل آن، رفیق نیکولائه چائوشسکو، بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران، تبریکات صمیمانه وبهترین آرزوهای موفقیت رابرای فعالیت شما، که درخدمت پیشبرد ودفاع ازمنافع اساسی زحمتکشان وهمه خلق دوست ایران وتحقق آرمانهای آن برای دموکراسی، پیشرفت اجتماعی، شکوفائی، استقلال، صلح وتفاهم بین‌المللی قرار دارد، تقدیم میداریم.

سالگرد این رویداد درشرایط تحولات عمیق انقلابی، ملی واجتماعی، وبه هنگام دگرگونی‌های سریع درتناسب نیروها در صحنه جهانی برگزار میشود، دگرگونی‌هائی که نشانگر اراده همه خلقهاست درجهت پایان دادن به‌سیاست امپریالیستی، استعماری و نواستعماری، بخاطر زندگی آزاد ومستقل درشرایط صلح وامنیت، برای آنکه برمنابع ملی خود حاکم باشند وسرنوشت خودرا بدون هیچ مداخله ازخارج تعیین کنند ووحدت وهمبستگی تمام نیروهای دموکراتیک وترقیخواه رادرمبارزه علیه استعمال زور ویا تهدید به زور، برای حل تمام مسائل مورد بحث فقط ازراه مذاکرات تحکیم بخشند.

این فرصت رامغتنم می‌شمریم وابراز اطمینان میکنیم که مناسبات دوستی، همکاری وهمبستگی موجود بین حزب کمونیست رومانی وحزب توده ایران ازاین ببعد نیز براساس احترام متقابل ودرراه رشد وگسترش مداوم مناسبات بین دوکشور ودوخلق در زمینه‌های گوناگون، درراه تحکیم همبستگی تمام نیروهای ترقیخواه وضدامپریالیستی سراسر جهان، درراه پیروزی آرمانهای صلح و سوسیالیسم تحکیم خواهد یافت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی

قابل توجه رفقا ودوستان گزارشگر نامه «مردم»

تقاضا می‌کنیم برای تهیه عکس از محیط‌های روستائی حتی‌الامکان از حلقه‌های فیلم۱۶ تائی استفاده کنند و یا تعداد عکس‌های استفاده شده را در هر فیلم، ذکر کنند. تا بدین‌طریق خود فیلم که اغلب بیش ازنیمی از آن مورد استفاده قرار نگرفته فقط با چند عکس هدر نرود و از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. اگر امکان‌دارید عکس‌بفرستید، که آسانتر است.

این هفته در نامه «مردم» بزبان کردی میخوانید:

اعلامیه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران به مناسبت شصتمین سال‌تأسیس حزب کمونیست ایران

۲ـ گامی‌مثبت و بزرگ در راه‌حل مسالمت آمیز مسئله کردستان

۳ـ اعلامیه‌هواداران کنگرهٔ چهارم حزب دمکرات کردستان ایران دربوکان،

هواداران مواضع کنگره چهارم‌حزب دمکرات کردستان ایران دربوکان ازموضع درست بخشی‌ازکادررهبری‌حزب‌دمکرات کردستان‌ایران‌پشتیبانی‌می‌کنند.

۴ـ سازمان‌جوانان‌دمکرات کردستان ایران از نظریات و مواضع‌بخشی‌ازکادر رهبری‌حزب دمکرات کردستان‌ایران،درباره وضع‌کنونی‌کشور وانقلاب‌ایران و مسئله کردستان پشتیبانی می‌کند.

۵ـ یک‌سوم پزشکان دنیا در اتحادشوروی هستند.

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ، کاویان
MARDOM
No. 269
29 June 1980
Price:
West Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران- شاخه آذربایجان در رابطه با انشعاب «اقلیت»

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران- شاخهٔ آذربایجان، درارتباط باانشعاب «اقلیت» اطلاعیه‌ای در تاریخ ۵۹/۳/۳۱ منتشرکرد ودر آن نظریات «اقلیت» را«انحرافی»، شیوه‌وانشعاب آنرا، «ماجرا جویانه» خواند. دراین اطلاعیه ازجمله آمده است:

«همانگونه که‌اطلاع‌دارید، اقلیتی‌ازسازمان با انتشارنشریه‌ای باامضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران انشعاب خود را از سازمان چریکهای فدائی‌خلق ایران اعلام‌کرد. باتوجه به وظیفهٔ سنگینی‌که در شرایط‌کنونی پردوش سازمان ما قرار دارد، وظیفه خود میدانیم برای مقابله با نظریات انحرافی اقلیت وبرای مقابله با برخوردهای یکجانبه وغیرمسئولانه آنها به‌مبارزه‌ای‌اصولی، که صرفاً درحیطه‌سیاسی- ایدئولوژیک خواهد بود، بپردازیم.

انشعابی که در سازمان ما انجام یافت، حاصل اوج‌گیری تضاد بین دوبینش اساساً متفاوتی بودکه دردرون آن وجود داشت...

از بعداز پلنوم، سازمان علاوه‌بر آنکه توانست در حیطه نظری چهارچوب جهان‌بینی انحرافی حاکم برتئوری «مشی مسلحانه» را درهم شکند، در حیطه پراتیک نیز توانست گامهای‌مثبتی درجهت انطباق حرکات‌انقلابی‌اش با اصول مارکسیسم- لنینیسم بردارد...

همراه با پذیرش بینش جدید از طرف اکثریت سازمان، اقلیتی حول بینش گذشته سازمان به‌مقاومت برخاسته و برای دفاع از آخرین سنگرهای خود دست به‌تلاشی همه‌جانبه زد و با اراده‌گرائی سعی درجلوگیری اززوال تاریخی بینش‌گذشته‌کرد. و در این تلاش حتی ضوابط اصولی حاکم برتشکیلات کمونیستی را نیز نادیده‌گرفت و از بعداز پلنوم با تشکیل فراکسیون دردرون سازمان عملا انشعاب‌کرد.

اقلیت‌که دراساسی‌ترین‌اصول ایدئولوژیک با اکثریت سازمان تضادداشت دیگرنمیتوانست در یک تشکیلات واحد با سازمان باشد... ولی برخورد آنان با امر انشعاب، که با شیوه‌ای ماجراجویانه و سازمان شکنانه صورت گرفت، یکباردیگرماهیت نظرات آوانتوریستی‌آنها را به‌نمایش‌گذاشت.

شاخه‌آذربایجان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن تأکید برناگزیری وضرورت این انشعاب، شیوه برخورد«اقلیت» را بامسئله انشعاب غیراصولی میداند وضمنا متذکرمیشود که هیچگونه مسئولیتی را درقبال حرکات و موضع‌گیری‌های‌اقلیت نمی‌پذیرد.»

قیمت‌ها به مرز...

بقیه از صفحه ۱

«ماکارگران باید حسرت‌برنج را بخوریم نه خودش را»!

این‌حرف رارضاباقرپور، کارگرسنگتراش میزند. درمیدان شهرری هستیم. دریک مغازه خواربارفروشی. علت‌حرفهای‌این کارگرچیست؟ فروشنده بااعلام نرخ انواع برنج، به این سئوال جواب میدهد:

«صدری مخلوط ـ کیلوئی ۱۲ تومان
صدری درجه۲ـ کیلوئی ۱۴ تومان
صدری درجه یک ـ کیلوئی ۱۶ تومان»

قیمت برنج دمسیاه راهم نمی‌پرسیم، که انگار فقط برای پولدارها تولید میشود؛ چون باقیمت کیلوئی ۱۸۵ ریال هیچ زحمتکشی سراغش رانمی‌گیرد.

رضاباقرپور همراه ما قیمت‌هارا گوش میکند. البته خودش قیمت‌هارا حفظ است. بعدبه فروشنده می‌گوید: «نیم‌کیلو خارجی بده».

فروشنده توضیح میدهد:

«دربازار دونوع برنج خارجی هست. این برنج‌ها ازتایلند وپاکستان می‌آید. به ماکه میرسد، قیمتش به‌کیلوئی ۹تومان میرسد.»

رضا باقرپور برنج رامی‌گیرد. پولش را میدهد. باهم بیرون می‌آئیم. می‌گوید:

«این برنج به‌لعنت خدا نمی‌ارزد. توی دیگ بجای پلو تبدیل به‌آش میشود. اما مجبورم آنرا بخرم، چون ارزانتر از همه برنجهای بازار است. این نیم‌کیلو که خریدم، غذای خانواده ۷نفری ماست. بیشتر ازاین وسعم نمیرسد.»

حرفهای این کارگر، همه رنجی راکه زحمتکشان ازگرانی قیمت برنج، که غذای اصلی مردم ماست، میکشند، بروشنی تمام نشان میدهد. گردشی دربازار، حرفهای این کارگررا تایید میکند ودراولین نگاه نشان میدهد که‌تا۷۰درصدبرقیمت‌برنج‌افزوده شده است.

درحال حاضر دربازار ٤نوع برنج داخلی، بقیمت‌هائی‌که درابتدای مطلب وهمچنین در جدول این شماره دیده میشود، بفروش میرسد. ارزان‌ترین نوع‌برنج‌داخلی، صدری مخلوط است، که سال گذشته کیلوئی۷۰ ریال بفروش میرسید وامسال به کیلوئی ۱۲۰ ریال رسیده است. یعنی پرمصرف‌ترین برنج داخلی بیشترین افزایش قیمت راداشته است (۷۰ درصد).

گران‌ترین نوع برنج داخلی هم، که برنج دمسیاه باشد، ازکیلوئی ۱٤۰ ریال‌به‌کیلوئی ۱۸۵ ریال رسیده وکمترین افزایش قیمت (۳۲ درصد) راداشته است.

انواع برنج یادشده بسیار فراوان است ودر بقالی‌ها، فروشگاههای مخصوص فروش برنج، سوپرهاو... فروخته میشود.

فروشگاههای تعاونی نیز برنج داخلی را باقیمت کیلوئی ۱۲۰ تا۱۷۵ریال درگونیهای ۱٦ تا۲٤ کیلوئی بفروش میرسانند.

ارزان‌ترین برنج ازتایلند و پاکستان وارد میشود ودربسته‌های ٥کیلوئی به قیمت کیلوئی ٦۰ تا ۷۰ ریال فروخته میشود. مقدار این برنج کم است وبه هرنفر یک بسته یک کیلوئی بیشتر داده نمیشود. همین برنج توسط واسطه‌ها به محلات کارگرنشین برده میشود ودرگونی‌های ٤٥ کیلوئی به بقال‌ها فروخته میشود، که به‌یمن تسلط سرمایه‌داران بزرگ بربازار برنج، این نوع برنج تابه محلات کارگرنشین میرسد، تاکیلوئی۹۰ریال افزایش قیمت می‌یابد.

دقت درآمار بالا وگشت دقیقتری دربازار نشان‌میدهد که، درواقع همه‌بارگرانی کمرشکن برنج بردوش زحمتکشان سنگینی میکند. زحمتکشان میهن‌ما مجبورند برای ارزان‌ترین نوع برنج داخلی ۷۰درصد بیشتر از سال گذشته پرداخت کنند. آنها حتی مجبورند برای برنج ارزان قیمت خارجی هم۵۰درصد بیشتر ازآنهائی‌که دستشان به دهانشان میرسد، پول بدهند.

کارگران وزحمتکشان بروشنی تمام‌علت این ستمی راکه برآنها میرود، میدانند ودر پاسخ این سئوال‌که: علت گرانی چیست؟ می‌گویند:

«محاصره اقتصادی امپریالیسم و غارت سرمایه‌داران بزرگ داخلی.»

نتیجه تحقیقات دربازار، مثل‌همیشه صحت نظر زحمتکشان راتائید واین پرسش را مطرح میکند:

آیا هنوزهم درایجاد بخش دولتی تولید وتوزیع کالاهای‌مورد نیاز زحمتکشان واز جمله برنج باید تردید کرد؟

انواع برنج	قیمت‌سال گذشته	قیمت امسال	درصد افزایش
دم سیاه	۱۴۰ ریال	۱۸۵ ریال	۳۲ درصد
صدری‌درجه۱	۱۲۰ »	۱۶۰ »	۳۳ »
صدری‌درجه۲	۱۰۰ »	۱۴۰ »	۴۰ »
صدری مخلوط	۷۰ »	۱۲۰ »	۷۰ »

شوخی‌نیست...!

منطق پول

جوان ۲۵ ساله‌ای‌که دریک زدوخورد مجروح شده بود، در یکی ازبیمارستانها درگذشت. (کیهان، ٤تیر)

چرا؟

به‌این علت: «دربیمارستان برای انجام‌عمل جراحی، مبلغ سی‌و پنج‌هزار تومان حق عمل از بستگان امیرحکمی مطالبه‌میشود. چون بستگان وی درآن لحظه پول به‌مقدارکافی همراه نداشته‌اند، بین آنان ازیکسو ومسئولان بیمارستان ازسوی دیگر گفت‌وگومشاجره درمی‌گیرد وسرانجام، امیرحکمی پس‌ازچندساعت درمیگذرد...» (همانجا)

ـ به‌این میگویند منطق پول!

مسافرپرسی

درکنار چهار آژانس عظیم خبری امپریالیستی، مدتهاست که یک «پرس» دیگر هم متولد شده. این «پرس» که شعاع عملش بسیار وسیع است، هرجا که تنور داغ است، درطرفةالعینی بیشترین خبرنگاررا بخدمت میگیرد وآخرین وسری‌ترین اخبارراً گزارش میکند. نقش این «پرس» بالاخص بیشتر زمانی عمده میشود که «کمیت چهار "پرس" دیگر لنگ میماند. دراین حالت این «پرس» که فرزند حرامزاده چهارپرس معروفه است، بعنوان منبع خبر، بیشرمانه‌ترین «اخبار» رابعنوان«غذا» به «پرسهای» بی‌خبرنگار میدهد.

لابه خیلی کنجکاوید بدانید که این فرزند حرامزاده کدامست؟ بله، این همان «مسافرپرس» است! «مسافرپرس» ازهمه‌جاخبرمیدهد: ازریتنام، ازکامبوچیا، ازصحرای اوگادن، ازآنگولا وبالاخره اینبار باتمام ظرفیت ازافغانستان ومستقیما ازآشپزخانه پیرک کارمل!

یک بام و دوهوا!

مدیرعامل بانک مسکن: «پرداخت وام مسکن متوقف‌شد.» (کیهان، ٤ تیر)

اطلاعیه وزارت مسکن: «دستورالعمل پرداخت وام مسکن به کلیه بانکهای عامل درسراسر کشور ابلاغ شد.» (اطلاعات، ٤تیر)

ساواکی خرفت

مرتضی بهادری، رئیس بخش بودجه وپرداخت ادارهٔ حسابداری ساواک منحله درداد‌گاه گفت:

«من یک حسابدار ساده بودم ودراینگونه موارد خرفت ونفهم بودم ونمیدانستم که درساواک چه میگذرد!» (کیهان، ٤تیر)

ایشان برای اثبات خرفتی خود مزاح هم فرموده‌اند:

«البته دراین مدت ۱٤ ماه‌که درزندان هستم، خیلی بیشتر از بیرون بمن خوش‌گذشته: چون هرچه میکشیدم ازدست همسراولم بود.»!

وبالاخره: «من یکبار دستگیر شدم وبادادن تلفن و آدرس محل سکونتم آزاد شدم.»!

ـ امیدواریم باردوم ایشان بعلت خرفتی آزاد نشوند!

نظرمطبوعات و شخصیتهای مختلف دربارهٔ خروج بخشی از واحدهای محدود نظامی شوروی از افغانستان

روزنامه «الشعب» چاپ بیروت مینویسد که: چنین اقدامی دراثر تثبیت معین اوضاع درافغانستان وقلع‌وقمع واحدهای بزرگ مسلح ضدانقلاب امکان‌پذیر شد. این روزنامه خاطرنشان میکند که اتخاذ چنین اقدامی همچنین این امررا روشن کردکه دولت قانونی فعلی افغانستان ازحمایت وپشتیبانی وسیع مردم افغانستان برخوردار است.

«الشعب» سپس مینویسد که درمحافل دیپلماتیک، خروج یگان‌های ارتش شوروی ازافغانستان بمثابه ابتکار مهم جدیداتحاد شوروی تلقی میشود.

وزیر امور خارجه فرانسه، فرانسواپونسه طی اظهارات خود این تصمیم اتحاد شوروی را «فوق‌العاده مهم» نامید.

خبرگزاری فرانس‌پرس این تصمیم رابمثابه اقدامی ارزیابی میکند، که «هدفش بهسازی جو بین‌المللی است». فرانس پرس تصریح میکندکه مسکو بااین اقدام، مصلحت دیدکه نشان بدهد، صرفنظر ازشایعات گوناگون، اوضاع‌درافغانستان رازیرکنترل‌دارد.

خبرگزاری پرس‌تراست‌اف‌ایندیا بااستناد به‌اعلامیه سخنگوی رسمی دولت خاطرنشان میکندکه هند اطلاعیه رسیده ازکابل را باتائید پذیرا شده وآن‌را بمثابه یک «رویداد مثبت» تلقی میکند.

«پراودا» اطلاع میدهدکه روزنامه افغانی «حقیقت انقلاب ثور» بیانیه اتحادیه‌های افغانستان راانتشار داده، که طی‌آن ازجمله گفته میشودکه درمناسبات فیمابین افغانستان وایران وپاکستان هیچ مسئله‌ای وجود نداردکه نتوان آنرا گرد میز مذاکرات حل کرد. دربیانیه گفته میشود: فقط مذاکرات که‌نه‌تنها امکان‌پذیر، بلکه واجب هم‌هست، برای حل‌وفصل سیاسی مسائل که با منافع کلیه کشورهای منطقه مطابقت دارد، راه میگشاید.

روزنامه «کراسنایازوزدا» مینویسد: «طبق گزارش خبری یونی‌هند، ا. گون‌سالیس- دبیر وزارت امور خارجه هند، طی مصاحبه‌ای باروزنامه کویتی «عرب تایمز» اظهار داشت که حضور واحدهای محدود ارتش شوروی درافغانستان هیچ خطری برای هیچکس ندارد. وی تاکید نمود: «مابااین نظر غرب موافق نیستیم که اتحاد شوروی درمقابل خود هدف وصول به‌آبهای گرم دریای عرب وخلیج فارس راقرارداده است».

«کراسنایازوزدا» مینویسد: «ولی همه اینها قادر نیست این حقیقت راپنهان داردکه هماکا واشنگتن ازحوادث افغانستان برای گسترش نقشه‌های توسعه‌طلبی‌نظامی‌درآسیاودرخاورنزدیک استفاده میکند. رئیس پنتاگون صریح وبی‌پرده گفت‌که ایالات متحده «برای تحکیم امنیت وتقویت قدرت نظامی امریکا درمنطقه تدابیری اتخاذ می‌کند». بگفته وی «حوادث افغانستان وایران لزوم گسترش عملیات امریکا دراقیانوس هند وخلیج فارس راایجاب کرد».

ازسوی دیگر همانگونه که ازاظهارات وی برمی‌آید واشنگتن ازتلاش برای ازبین بردن انقلاب افغانستان دست‌بردار نیست وبه جنگ اعلان نشده، علیه حکومت مردمی این‌کشور ادامه میدهد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

www.iran-archive.com